

قیام فراموش شده

«جستارهایی پیرامون قیام ۱۷ خرداد سال ۱۳۵۴ فیضیه»

دکتر سید حمید روحانی

اوضاع ایران در دهه ۵۰

وقتی طرح حکومت اسلامی امام در سال ۱۳۴۸ در قالب یک نظریه منسجم و بدیل نظام پادشاهی مطرح شد، روحانیان مبارز حوزه‌های اسلامی نیز بیش از گذشته ایده و انگیزه براندازی را جدی گرفتند. حمله به شخص شاه در اعلامیه‌ها و تظاهرات روحانیان و طلاب - به رغم خفقان حاکم - بیش از گذشته مطرح و دنبال شد و این در شرایطی بود که هر گونه نیش و طعنه و گوشه و کنایه به شاه، در حکم انتحار بود و کسانی که در اعلامیه‌ها و نوشته‌های خود شاه را مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دادند، در واقع حکم اعدام خود را امضاء می‌کردند. حماسی‌ترین و توفانی‌ترین خیزش و خروش ملت ایران در نفی نظام پادشاهی در خرداد ۱۳۵۴ در فیضیه قم روی داد. در این قیام خونین که در تاریخ‌نگاری دوران معاصر به کلی فراموش شد، طلاب و روحانیان با شعارهایی انقلابی و بنیان افکن از جمله مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، از پهلوی بیزاریم و... به تظاهرات دست زدند و رژیم شاه را به چالش کشیدند.

حرکت رعدآسای فیضیه در خرداد ۵۴ و متعاقب آن نگارش پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این سال، از یک سو ریشه در طرح حکومت اسلامی امام داشت که در آن رژیم شاهنشاهی، ناهمگون با اصول اسلامی نشان داده شده بود و از





حماسی‌ترین و توفانی‌ترین خیزش و خروش ملت ایران در نفی نظام پادشاهی در خرداد ۱۳۵۴ در فیضیه قم روی داد. در این قیام خونین که در تاریخ‌نگاری دوران معاصر به کلی فراموش شد، طلاب و روحانیان با شعارهایی انقلابی و بنیان‌افکن از جمله مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، از پهلوی بیزاریم و... به تظاهرات دست زدند و رژیم شاه را به چالش کشیدند

سوی دیگر این حرکت پیش‌زمینه طرح انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ بود و می‌توان گفت شعارهای انقلابی و ضدشاهی طلاب در مراسم یادبود شهیدان ۱۵ خرداد، جرئت و جسارت مردم را برای دست زدن به این گونه شعارهای ضدشاهی و طرح نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۶ فراهم کرد و این خیزش حماسی را گسترش داد و انقلاب آفرید.

دهه ۵۰ با یک سلسله دگرگونی‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده همراه بود؛ رژیم شاه از یک سو با به راه انداختن سیرک‌های میان‌تهی، به‌ویژه جشن‌های پرهزینه و خانمانسوز دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی و فراخوانی سران فزونخواه و تجاوزگر جهان به این سیرک دل‌آزار،

کوشید تا ناله جانسوز مردم رنج‌دیده، گرسنه، نادار و بیمار را در میان هلهله‌های مستانه نفتخواران جهانی و شادخواران و فزونخواهان بین‌المللی و حرامیان درباری، خاموش سازد و به دنیا چنین بنمایاند که ملت ایران در اوج رفاه و توانگری، جزولنگاری، پاپکوبی، دست‌افشانی، چراغانی، عیش و نوش و شادی و... کاری ندارد! و از سوی دیگر با پایان دادن به حزب‌های ساختگی رنگارنگ و ایجاد حزبی به نام رستاخیز کوشید خفقان حاکم بر ایران را استواری بخشد، جو پلیسی را گسترش دهد، نفس را در سینه‌ها خفه سازد، قلم‌ها را بشکند و رخصت نفس کشیدن را از هم‌وطنان ایرانی بگیرد. از این رو، در پی برپایی حزب رستاخیز، جو پلیسی و خفقان در کشور شدت یافت. زندان‌ها از آزادیخواهان آکنده شد، شکنجه‌های توانفرسا، کشتن بی‌گناهان در زیر شکنجه در سلول‌های زندان، سر به نیست کردن برخی از زندانیان، تبعید شماری از عالمان مجاهد روحانی و بازداشتن شماری از گویندگان و سخنوران مبارز از سخنرانی، روز به روز فزونی یافت. طبق گزارش ساواک از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۵ یکصد و دوازده تن از روحانیان «ممنوع‌المنبر» شدند. لیکن باید دانست که شمار روحانیان زندانی، هم‌زمان با برپایی حزب رستاخیز و به دنبال تشکیل این حزب کم‌تر از روحانیان ممنوع‌المنبر نبوده است.^۱

دستگاه جاسوسی و امنیتی شاه برای پیاده کردن این سیاست شوم و مرگبار بسان اینکه «سنگ را بسته و سگ را رها کرده» دیرزمانی از برپایی حزب رستاخیز و نیز

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

حرکت رعد آسای فیضیه در
خرداد ۵۴ و متعاقب آن نگارش
پیش نویس قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران در این
سال، از یک سوره در طرح
حکومت اسلامی امام داشت
که در آن رژیم شاهنشاهی،
ناهمگون با اصول اسلامی
نشان داده شده بود و از سوی
دیگر این حرکت پیش زمینه
طرح انقلاب اسلامی در سال
۱۳۵۶ بود

همزمان و پس از آن، مبارزان روحانی را یا به زندان
و تبعید گسیل داشتند و یا از سخنرانی و منبر رفتن
بازداشتند، قلم ها را شکستند، دهان ها را بستند،
خفقان را بیش از پیش استواری بخشیدند و زندان ها
را از مبارزان روحانی و دیگر آزادی خواهان اسلامی و
نیروهای مردمی آکنده ساختند. نگارنده با پیگیری ها و
بررسی هایی نام شماری از روحانیان زندانی در دهه ۵۰
و در آستانه برپایی حزب رستاخیز و نیز پس از تشکیل
آن حزب را به دست آورده است که در پی می آورد:

سیدعلی خامنه ای - شیخ مهدی شاه آبادی - شیخ

عباس طبسی - هاشمی نژاد - محمد مفتاح - شیخ اکبر

هاشمی رفسنجانی - محمدعلی گرامی - سیدهادی خامنه ای - محمد حکیمی - فاکر
خراسانی - شیخ مهدی ربانی املشی - سید مهدی طباطبایی - علی غفوری - انصاری
قزوینی - زین العابدین حقانی - لاهوتی - موحدی قمی - عرفا شیرازی - حسین طارمی -
جعفری گیلانی - عبدالمجید معادیخواه - محصل یزدی - محمد حجازی - اسدی
خراسانی - کرباسچی - احمد فاضل زاده - مهدی کروب - شیخ جواد نوروزی - سید جلال
طاهری - کلانتر - عباسی - امید نجف آبادی - شجاعی زنجانی - یزدانی اصفهانی - موسوی
زنجانی - الهی تهرانی - اکبر معینی - محسن اسلامی - عبدالرضا حجازی - ایوبی - حسین
هاشمیان - شیخ نصرالله صالحی - کرباسچی - سید اکبر موسوی اصفهانی - شیخ قدرت الله
علیخانی - شیخ جواد نوروزی - سیدهادی هاشمی - جلال گنجه ای - سید کاظم زنجانی -
غلامحسین نادری - شفیعی خلخالی - اسلامی خراسانی - شکری - سلیمان حیدری -
سیف الدین محمدی زنجانی - حسین بهرامی - ابراهیم سلکی - عبدالله غفوری - محمد
محسنی رفسنجانی - حجت الله حاجی پور - کاظم میر صادقی - احمد رحمانی - سیدرضی
حسینی - سید عبدالوهاب موسوی - صدرالدین خلخالی - علی کشانی - شیخ حسن ارمی
خراسانی - رضی الله سعادت - متبحری - صادقی - محقق - شیخ محمد واعظی و...

رژیم شاه در راستای سیاست سرکوب و تشدید خفقان و گسترش هراس و بیم در میان
مردم، شماری از سخنوران روحانی و عالمانی دینی را به شهرهای بد آب و هوا تبعید





کرد. ساواک در لیست خود تنها نام‌های یازده تن از روحانیان تبعیدی را آورده و چنین وانمود کرده است که شمار تبعیدی‌ها در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال‌های پیش از آن کاهش داشته است،^۱ لیکن نگارنده در بررسی‌های خود نام بیش از سی تن از روحانیان را به دست آورده است که در سال یادشده در تبعید به سر می‌برده‌اند؛ نام روحانیان تبعیدی در پی می‌آید:

شیخ محمدفاضل قفقازی - شیخ علی مشکینی - سید اسدالله مدنی - شیخ حسینعلی منتظری - شیخ احمد جنتی - شیخ ابوالقاسم خزعلی - شیخ محمد مؤمن قمی - شیخ محمدرضا مهدوی کنی - سید محمدصادق لواسانی - شیخ علی اصغر مروارید - شیخ محمد محفوظی - شیخ محمد یزدی - شیخ محمدصادق تهرانی - شیخ مهدی ربانی املشی - راشد یزدی - شیخ صادق خلخالی - سید علی غیوری - شیخ محمد امامی کاشانی - شیخ غلامرضا گلسرخی - صالحی نجف‌آبادی - شیخ حسن صانعی - شیخ مجتبی حاج آخوند - سید محمد صالح طاهری - عندلیب همدانی - احمد منتظری - علی اصغر احمدی - عبایی - مولانا - عبدالعلی کنی - محمد نوری زاده - جهانبخش تعمیرکاری - جعفر گلستانه - رمضان جنتی - احمدی خمینی

این تنها روحانیان مبارز و عالمان مجاهد نبودند که از سوی رژیم شاه به زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها گسیل می‌شدند و زیر فشار قرار می‌گرفتند، بلکه بسیاری از مبارزان دین‌باور و زنان و مردان مسلمان دلاور و جوانان فداکار دانشگاهی، بازاری، کارگر و کشاورز نیز در زندان‌های شاه زیر سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها قرار داشتند. رژیم شاه برای خاموش کردن صداهای انقلابی و آزادیخواهی به هر جنایتی دست می‌زد، دستگیری‌های دسته‌جمعی مانند دستگیری بیش از ۲۰۰ نفر در آبادان، نزدیک ۲۰۰ نفر در نهاوند، ۶۰ نفر در دزفول، شمار زیادی در اصفهان و اهواز، تیرباران ۹ نفر از زندانیان سیاسی در تهران و... از کارنامه‌های رژیم پهلوی در دوران سیاه برپایی حزب رستاخیز بود، تا ایران را به ویرانه‌ای جغدنشین بدل کند و صدای مخالف را برای همیشه خاموش سازد، لیکن به‌رغم این جنایت‌ها و بی‌فرهنگی آن رژیم می‌بینیم که پیروان راستین راه امام و راه عاشورا نه تنها یک گام پس نرفتند، آرام ننشستند از مبارزه باز نماندند، بلکه با استواری، پایداری و سرسختی مبارزه را پی گرفتند و پیش تاختند؛ به‌ویژه اینکه امام در طرح حکومت اسلامی از همگان خواسته بود آرام و بی‌تفاوت نمانند:

... شما که قدرت ندارید جلوی این اعمال را بگیرید و این مفاسد را دفع

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

امام در پی طرح حکومت اسلامی در بهمن ماه ۱۳۴۸، در بیشتر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود شخص شاه و رژیم پادشاهی را مورد حمله قرار می‌داد و روی ناهمگونی نظام پادشاهی با اصول اسلام تأکید می‌کرد

نمایید، اقلاً ساکت ننشینید، تو سر شما می‌زنند داد کنید، انظلام نکنید. انظلام (تن به ظلم دادن) از ظلم بدتر است، بگوئید، انکار کنید، فریاد بزنید. باید در مقابل دستگاه آنها یک دستگاه هم این طرف باشد و هر چه به دروغ می‌گویند تکذیب کند، بگوئید دروغ است، عدالت اسلامی این نیست که آنها ادعا می‌کنند... برنامه‌های اسلامی غیر از این است که آنها دارند.^۱

امام در پی طرح حکومت اسلامی در بهمن ماه ۱۳۴۸، در بیشتر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود شخص شاه و رژیم پادشاهی را مورد حمله قرار می‌داد و روی ناهمگونی نظام پادشاهی با اصول اسلام تأکید می‌کرد. این موضع روشن و قاطع امام، مردم ایران و مجاهدان روحانی را در مبارزه بر ضد رژیم شاه استوارتر و پابرجاتر می‌ساخت.

امام در پیام خود به زائران خانه خدا در بهمن ماه ۱۳۴۹ آشکارا و با صراحت اعلام کرد: ... اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است. هر کس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می‌فهمد اسلام آمده است این کاخ‌های ظلم شاهنشاهی را خراب کند. شاهنشاهی از کثیف‌ترین و ننگین‌ترین نمونه ارتجاع است...^۲

امام در سخنرانی خود بر ضد جشن دوهزار و پانصدساله رژیم پادشاهی در ایران، در تیرماه ۱۳۵۰ نیز اظهار کرد:

... شاهنشاهی ایران از اولی که زاییده شده است تا حالا روی تاریخ را سیاه کرده است، جنایات شاه‌های ایران روی تاریخ را سیاه کرده است... مسلمین عار دارند از این شاهنشاهی...^۳

امام در پیام خود به ملت ایران در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۵۲ هشدار داد:

... من از این خدمتگزار بی‌چون و چرای امریکا برای جهان اسلام احساس خطر می‌کنم... اینجانب کراراً خطر اسراییل و عمال آن را که در رأس آنها شاه

۱. حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، درس ۱۱، ص ۴۴.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۶۳.





ایران است، گوشزد کرده‌ام. ملت اسلام تا این جرثومه فساد را از بن نکنند، روی خوش نمی‌بینند و ایران تا گرفتار این دودمان ننگین است روی آزادی نخواهد دید...^۱

در پیام امام بر ضد حزب رستاخیز در تاریخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۳ آمده است:
... مردم محروم این کشور مجبورند موافقت خود را با نظام شاهنشاهی اعلام کنند، نظام پوسیده‌ای که از نظر اسلام مردود و محکوم به فناست... مردم مسلمان ایران مجبورند در برابر شاهی سر تسلیم فرود آورند که دستش تا مرفق به خون علمای اسلام و مردم مسلمان آغشته است...^۲

این رهنمودها، روشنگری‌ها و هشدارها، در انگیزختن توده‌ها بر ضد رژیم شاه و اوج بخشیدن به مبارزه برای براندازی و شکست جو خفقان نقش بسزایی داشت. پیروان راستین امام، به‌ویژه مبارزان روحانی در راه پیشبرد نهضت اسلامی و رویارویی با رژیم شاهنشاهی و خروش و خیزش در راه برپایی حکومت اسلامی، بیش از پیش به فداکاری، ایثارگری و از خودگذشتگی دست می‌زدند و توطئه رژیم شاه را در استقرار حکومت وحشت و ترور، در هم می‌شکستند و آتش نهضت و مبارزه را فروزان‌تر می‌ساختند. از این رو، می‌بینیم در خردادماه ۱۳۵۴ به‌رغم اینکه صدها تن از مبارزان روحانی در زندان و تبعید به سر می‌بردند و از سخنرانی و منبر رفتن باز داشته شده بودند، بزرگداشت سالگرد ۱۵ خرداد، در قم با ویژگی‌های بی‌مانندی برگزار شد و حماسه تاریخی آفرید.

فریادگران ۱۲ خرداد ۵۴

مبارزان روحانی و محصلین علوم اسلامی که در خردادماه ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه به سوگ شهیدان ۱۵ خرداد ۴۲ نشستند، تنها هدفشان، گرامیداشت آن روز تاریخی نبود؛ نمی‌خواستند - همانند سال‌های پیشین - تظاهراتی برپا کنند و به یاد شهیدان آن روز، شعارهایی سردهند و پراکنده شوند، بلکه بر آن بودند تا با الهام از مکتب امام و به پیروی از رهنمودها، ایده‌ها و اندیشه‌های آن رهبر کبیر جو خفقان باری را که در آسمان ایران پایدار بود، در هم بشکنند. نام و یاد ۱۵ خرداد همیشه سرچشمه خروشان نفرت ملت ایران از شاه و نظام پادشاهی بود.

۱. همان، ج ۳، ص ۷.

۲. همان، ص ۷۲.



شادروان شیخ احمد کروی که یکی از مبارزان پاکبخته و عالم وارسته شهرستان الیگودرز بود، چند روز پیش از فرارسیدن ۱۵ خرداد ۵۴ به قم آمد و در برخی از مجالس خصوصی و نیمه عمومی درباره امام، ۱۵ خرداد و بایستگی برپایی حکومت اسلامی و واژگونی رژیم شاه سخنانی بر زبان آورد و در مدرسه فیضیه، در جمع طلاب و روحانیان نیز پیرامون غیرقانونی بودن نظام پادشاهی و ساختگی بودن حزب رستاخیز و بایستگی تلاش و کوشش در راه برپایی حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی سخنرانی کرد و روی هدف استقرار حکومت اسلامی تأکید ورزید. او پس از دستگیری نیز در بازجویی‌ها به برنامه‌های روشنگرانه خود در قم اذعان کرد و آن را مورد تأیید قرار داد. در بولتن ساواک درباره شیخ احمد کروی چنین گزارش شده است:

... متهم یادشده بالا در بازجویی‌های معموله عضویت و فعالیت خود را در احزاب و گروه‌های مذهبی و سازمان‌های وابسته به آن انکار و ضمن تأیید اعمال اقدامات گروه به اصطلاح مجاهدین خلق اظهار میدارد: چون دستگاه فعلی، جبار است و به هیچ وجه عدالت اجتماعی در ایران وجود ندارد بنابراین معتقدم که می‌بایستی حکومت اسلام جایگزین رژیم سلطنتی گردد. البته تنها فردی که بتواند چنین نظریه‌ای را در ایران اجرا نماید روح‌الله خمینی است [و] اضافه می‌نماید چون به این نظریه عقیده راسخ داریم لذا تصمیم



مبارزان روحانی و محصلین علوم اسلامی که در خردادماه ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه به سوگ شهیدان ۱۵ خرداد ۶۲ نشستند، بر آن بودند تا با الهام از مکتب امام و به پیروی از رهنمودها، ایده‌ها و اندیشه‌های آن رهبر کبیر جو خفقان‌باری را که در آسمان ایران پایدار بود، درهم بشکنند

گرفتم مطالبی جهت طلاب و مردم اظهار نمایم تا در نزد خدا مسئول نباشم. بنابراین پس از ورود به قم نزد آیت‌الله گلپایگانی رفتم و پس از تعارفات معموله به ایشان و افرادی که در آنجا بودند گفتم در ۱۵ خرداد ۴۲ به عنوان مختلف از خمینی پشتیبانی نمودید و پس از تبعید او خاموش شدید، نفاق را کنار بگذارید. درباریان به شما خیانت می‌کنند...

وی می‌افزاید یک هفته در قم بودم شب‌ها را در حجرات مدارس می‌گذراندم و روزها در مدرسه فیضیه برای طلاب و مردم مطالبی درباره روز ۱۵ خرداد و عقاید خمینی اظهار می‌کردم، تا اینکه قبل از تظاهرات ۱۵ خردادماه سال ۲۵۳۴

در مدرسه فیضیه سخنرانی جامعی کردم... و اضافه می‌کند در مورد رستاخیز نیز اظهاراتی کردم و سرانجام از آنان خواستم پافشاری نمایند تا عدالت اجتماعی بشری و حکومت اسلامی به وجود بیاورند...^۱

ساواک در گزارش دیگری از ایده و اندیشه شادروان شیخ احمد کربوبی چنین گزارش داده است:

... در ساعت ۱۷:۱۵ مورخه ۳۶/۱۰/۲۶ شیخ احمد کربوبی در منزل خود واقع در الیگودرز اظهار داشت به همه مردم و دستگاه‌های امنیتی ثابت شده که من مردی هستم مؤمن و معتقد به مبانی دین مقدس اسلام و قرآن مجید و مردی هستم مبارز و دوست‌دار مردم، حق‌گو و حق‌پرست و مخالف با زمامداران و سلاطین، مخالف با رژیم فعلی مملکت، دوست دارم حکومت ما حکومت اسلامی باشد. من پیرو دستورات آیت‌الله خمینی که رادمردی است دین‌دار، می‌باشم...^۲

طلاب و روحانیانی که در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ به تظاهرات دست زدند افزون بر اینکه از موضع ضد سلطنتی امام و پافشاری او روی برپایی حکومت اسلامی الهام گرفته و با روحیه انقلابی و ضدشاهی به خروش و خیزش برخاسته بودند، از سخنرانی‌های تند و توفنده و انقلابی شادروان شیخ احمد کربوبی نیز تأثیر بسزایی گرفته بودند و با هدف مبارزه با رژیم شاه در راستای برپایی حکومت اسلامی در عصر روز پنج‌شنبه ۱۵ خرداد ۵۴ در مدرسه فیضیه به تظاهرات دست زدند و به یاد شهیدان آن روز تاریخی به سوگ

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۸۲۱ - ۳۱۱، ص ۳-۲.

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



نشستند و اعلام عزا کردند. در این مراسم تنی چند از روحانیان پیرامون کشتار ۱۵ خرداد و پایداری حماسی مردم و پشتیبانی بی دریغ آنان از مقام ولایت و مرجعیت سخن گفتند و به دنبال آن تظاهرات آغاز شد. طلاب مبارز در پشتیبانی از امام و شهیدان و بر ضد شاه و حاکمان طاغوتی شعارهایی سردادند. برخی از شعارها چنین بود:

خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو - بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو؛
خمینی بت شکن، اسلام تو را می خواهد - مرجع دور از وطن، ملت تو را
می خواهد؛ درود بر خمینی بت شکن - لعنت بر این یزید قانون شکن؛ مرگ
بر شاه مزدور؛ مرگ بر شاه قاتل؛ درود بر شهیدان؛ درود بر خمینی؛ درود بر
سعیدی؛ ملت ما بیدار است - از پهلوی بیزار است.

تظاهر کنندگان کوشیدند که از فیضیه بیرون روند و تظاهرات را به خیابان های قم بکشانند، لیکن نیروهای انتظامی که از پیش آماده شده بودند، با یورش خود تظاهر کنندگان را از پیشروی بازداشتند. در این تظاهرات چند تن از طلاب دستگیر شدند. رئیس ساواک قم به نام معینی پیرامون تظاهرات روز ۱۵ خرداد ۵۴ در فیضیه به مدیریت کل اداره سوم چنین گزارش داده است:

... مقارن ساعت ۲۱.. روز جاری قریب ۵۰۰ نفر طلاب مدرسه فیضیه قم به مناسبت ۱۵ خرداد سال ۴۲ با دادن شعارهای توهین آمیز (شعارهایی

علیه مقامات عالیہ مملکتی) به خاندان جلیل سلطنت در جلو درب ورودی مدرسه مذکور اجتماع نموده که پلیس با آب پاش آنها را متفرق و به داخل مدرسه رانده است. در حال حاضر کنترل محوطه خارج مدرسه را پلیس در اختیار داشته ضمناً منطقه ژاندارمری قم نیز به حالت آماده باش درآمده و آماده هر گونه کمک می باشد...

[illegible]



پس از پایان نماز مغرب و عشا در مدرسه فیضیه به امامت آیت الله اراکی در شب جمعه ۱۶ خرداد طلاب مبارز بار دیگر با شعارهای انقلابی به تظاهرات دست زدند. تظاهرکنندگان که شمار آنها بیش از پانصد نفر برآورد می شد به سمت میدان آستانه حرکت کردند لیکن وقتی وارد میدان شدند، بار دیگر مورد یورش پلیس ضدشورش که با ماسک، باتوم، کپسول های گاز اشک آور، سرنیزه و دیگر سلاح های گرم و سرد مجهز بودند، قرار گرفتند. پلیس شاه وقتی با حمله بی رحمانه و با ماشین آب پاش و فشار آب و باتوم و سرنیزه نتوانست تظاهرکنندگان را به عقب نشینی وادارد، از کپسول گاز اشک آور بهره گرفت و دو کپسول گاز میان تظاهرکنندگان افکند و بدین گونه راه را بر روحانیان بست و آنان را به عقب نشینی و بازگشت به صحن فیضیه ناگزیر ساخت.

روحانیان و طلاب که از تظاهرات خیابانی باز داشته شده بودند، بر آن شدند با بلندگو و از راه بام فیضیه و دو پنجره ای که از مدرسه به میدان آستانه باز می شد صدای خود را به گوش مردم قم و هزاران تن از زائرانی که در شب جمعه در قم به سر می بردند برسانند و تظاهرات را اوج بخشند. شماری از طلاب با گردهمایی در بام فیضیه به شعارهایی انقلابی و ضدشاهی دست زدند. شعارهای مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، ملت ایران بیدار است - از پهلوی بیزار است و... برای مردم و زائرانی که از میدان آستانه و خیابان های پیرامون فیضیه گذر می کردند، گیرایی ویژه ای داشت. چه بسا تا آن روز چنین شعاری هیچ گاه به گوش مردم نخورده بود. بسیاری از رهگذران در کناره ها و پیرامون فیضیه گردآمده بودند و به این شعارها گوش فرامی دادند و گاهی با صلوات تظاهرکنندگان را همراهی می کردند. بایسته یادآوری است که شماری از طلاب که منزل و شاید زن و فرزند داشتند و نیز یک نفر کارمند صنایع هواپیمایی که برای زیارت به قم رفته بود و در تظاهرات فیضیه شرکت داشت از در فرعی فیضیه بیرون رفتند، لیکن در راه توسط مأمورانی که فیضیه را محاصره کرده بودند و زیر کنترل داشتند، دستگیر شدند. نام های ۲۲ نفر آنان در گزارش شهربانی، به این شرح آمده است:

- ۱- عباس حسینی فرزند ابراهیم ۲- سید محمود دریابادی فرزند علی ۳- احمد محدث
- فرزند حسین ۴- سید محمدهادی ناجی فرزند حسین ۵- سید مصطفی شریفی فرزند
- سید عبدالحسین ۶- علی اصغر شمس آبادی فرزند محمدرضا ۷- غلامرضا رضایی فرزند
- محمد ابراهیم ۸- اسلام الدین رستگار فرزند احمد ۹- محمدعلی بخشی فرزند قربانعلی
- ۱۰- علی محمد حسینی فرزند محمد ۱۱- محمدتقی متقی فرزند حسینعلی ۱۲-
- نبی الله ابراهیم زاده فرزند محمدرضا ۱۳- سیدعلی میردیلمی فرزند سیدحبیب الله



۱۴- محمود برازنده فرزند علی اکبر ۱۵- احمد عابدی فرزند عباسعلی ۱۶- کمال الدین ادیب فرزند علی اکبر ۱۷- ابوالفضل حسینی فرزند افضل ۱۸- محب علی انصاری فرزند علی ۱۹- جواد حبیبی فرزند فضل الله ۲۰- حسین خدادادی فرزند محمد ۲۱- الله رحم غلامنژاد فرزند غلام عباس ۲۲- صادق ترکمانی فرزند حاج علی (زائر) کارمند شرکت هواپیمایی...^۱

رئیس ساواک قم به نام معینی در گزارشی به تهران از تظاهرات طلاب در غروب روز ۱۵ خرداد، چنین گزارش داده است:

... ساعت ۲۰۰۰ روز جاری حدود ۲۰۰ نفر از طلاب مدرسه فیضیه قم با دادن شعار توهین آمیز به خاندان جلیل سلطنت جلو درب ورودی مدرسه مذکور اجتماع که با دخالت مأمورین شهربانی به داخل مدرسه رانده شدند و هم اکنون از داخل پنجره‌های مدرسه همچنان به دادن شعار و پرتاب سنگ به طرف مأمورین ادامه می‌دهند. ضمناً طلاب مدرسه خان نیز از بالای بام، با دادن شعارهای درود بر خمینی به طرف مأمورین سنگ پرتاب که با استقرار مأمورین روی بام مدرسه مورد بحث، موضوع فیصله یافته است. علیهذا پیش‌بینی می‌شود این تظاهرات در روزهای آینده با شدت بیشتری ادامه یابد. لذا چنانچه دستوری در این مورد از طریق مرکز می‌باشد مراتب را اعلام تا به مورد اجرا گذارده شود. ضمناً تا این ساعت سه نفر از تظاهرکنندگان به شرح زیر دستگیر شدند: ۱- رجبعلی ملکیان فرزند حسین ۲- محمد نادری فرزند نادر علی ۳- سیدصدرالدین موسوی فرزند سید سخاءالدین...^۲

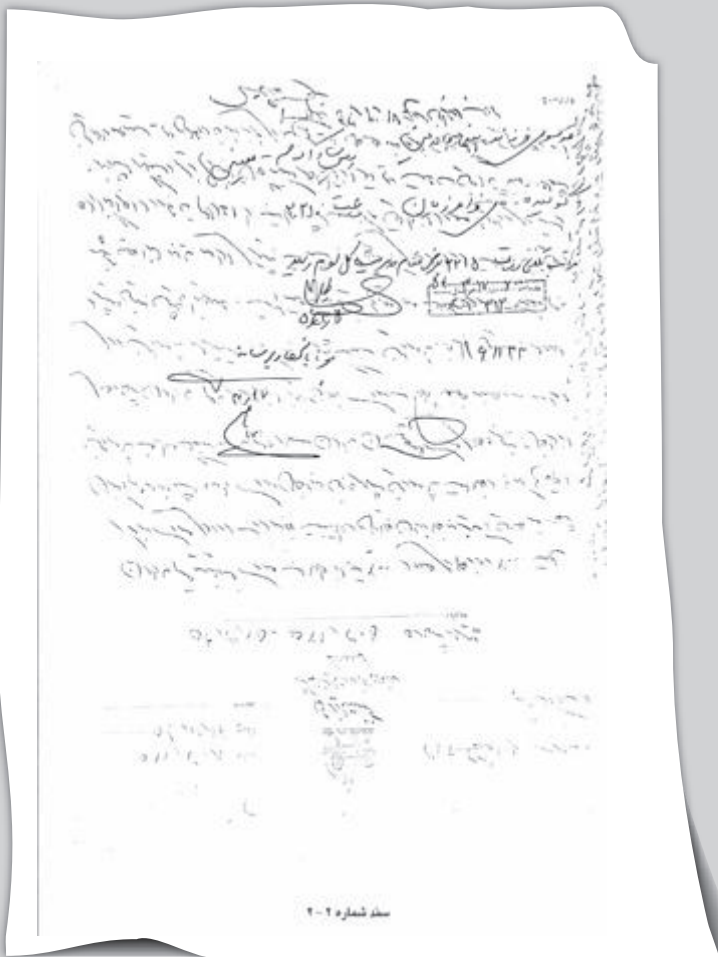
شهربانی قم در گزارش خود شمار دستگیرشدگان در روز ۱۶ خرداد را پنج نفر نوشته و افزون بر سه نفری که نامشان در گزارش ۵۴/۳/۱۶ ساواک آمده است، دو نفر دیگر را سید محمدصادق احمدی فرزند سید مهدی و علیرضا محبتی فرزند ابراهیم نام برده است.^۴ ساعت ۹ صبح روز جمعه ۱۶ خرداد، در مدرسه فیضیه باز شد و رفت و آمد به مدرسه به حال عادی درآمد؛ لیکن پارک ماشین‌های پلیس و آتش‌نشانی در برابر مدرسه فیضیه و صف‌آرایی نیروهای انتظامی و مأموران مجهز به ماسک، سپر، باتوم، مسلسل دستی، کپسول گاز اشک‌آور و... پیرامون فیضیه، میدان آستانه و صحن مطهر حضرت

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

۲. ساواک قم در گزارش دیگری شمار تظاهرکنندگان را «قریب ۵۰۰ نفر» برآورد کرده است.

۳. سند ش ۲.

۴. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.





معصومه (ع) نشان از ناآرامی‌ها می‌داد و دید رهگذران را به خود جلب می‌کرد. درون فیضیه نیز شعارهایی انقلابی به رنگ قرمز و با خط درشت روی دیوارها و پارچه‌های سفیدی که بر دیوار نصب شده بود به چشم می‌خورد. عکس بزرگی نیز از امام بالای در کتابخانه، دیدگان را به خود جلب می‌کرد. روی پارچه بزرگی که بر دیوار فیضیه نصب شده بود این شعار دیده می‌شد: «۱۵ خرداد سالروز قیام امام خمینی را گرمی می‌داریم.» تظاهرکنندگان فیضیه در ساعت‌هایی که رفت و آمد به فیضیه به شکل عادی ادامه داشت، می‌توانستند از این مجال بهره‌گیرند و از صحنه بگریزند، لیکن آنان بر آن بودند که صدای اعتراض خویش را در آسمان ایران طنین‌انداز سازند و این رسالت، به پایداری، ایستادگی و جانفشانی نیاز داشت و نمی‌بایست برنامه‌ها را نیمه‌کاره رها کنند؛ افزون بر این ساواک به وسیله عوامل نفوذی و از راه عکسبرداری از گلدسته حرم توانسته بود، روحانیان فعال و پرکار در این تظاهرات را شناسایی کند و آن‌گاه که یکی از آنان از مدرسه بیرون می‌آمد، بی‌درنگ دستگیر می‌شد. چنانکه در صبح این روز (۱۶ خرداد) ۵ نفر از مبارزان روحانی - که به نامشان اشاره شد - به دنبال بیرون آمدن از مدرسه فیضیه دستگیر و به شهربانی گسیل شدند. ساواک بر آن بود تظاهرکنندگان را بدون هجوم به فیضیه یکی پس از دیگری در بیرون از مدرسه شکار کند و به زندان و شکنجه‌گاه بکشانند. مقامات رژیم از هجوم به فیضیه و بازتاب آن در میان مردم، سخت هراسان بودند؛ از این رو، تلاش داشتند تظاهرکنندگان را با حيله و نیرنگ و تهدید و نوید از مدرسه فیضیه



بیرون بیاورند و به تحصن آنان بی سروصدا پایان دهند و در بیرون مدرسه به حسابشان برسند. روحانیان تظاهر کننده که به این نقشه و نیرنگ به درستی پی برده بودند، با سرسختی و هوشیاری در برابر آن ایستادند و به برنامه‌های انقلابی خود ادامه دادند. در ظهر روز ۱۶ خرداد بار دیگر شعارهای انقلابی از بلندگوی فیضیه در آسمان قم طنین افکند. شعارهای الله اکبر، درود بر خمینی، مرگ بر شاه مزدور، مرگ بر شاه قاتل، ملت ما بیدار است - از پهلوی بیزار است، خمینی بت شکن - ملت طرفدار تو، مرگ بر حزب رستخیز و... لرزه بر اندام دژ خیمان و مزدوران رژیم شاه انداخت و مردم قم، رهگذران و زائران را به گردهمایی پیرامون فیضیه کشاند. نیروهای شهربانی و ساواک از گردهمایی‌های مردم نگران شده بودند؛ به‌ویژه اینکه می‌دیدند مردم با فرستادن صلوات با تظاهر کنندگان همراهی می‌کنند. از این رو، از هر سو به مردم یورش بردند و کوشیدند آنان را پراکنده کنند.

تظاهر کنندگان در شب ۱۷ خرداد بار دیگر با یک حرکت ناگهانی از مدرسه بیرون آمدند و با شعارهای مرگ بر شاه و درود بر خمینی تا میدان آستانه پیش رفتند که با یورش پلیس و مأموران ساواک روبه‌رو شدند. تظاهرات توفنده و رعدآسای طلاب از بام فیضیه، مردم قم و زائران و مسافران را سیل آسا به سوی آن صحنه کشانید.

انبوهی از مردم در خیابان‌های آستانه، چهارمردان، ارم، اراک گردآمده و به تماشا ایستاده بودند. فریاد رعدآسای مرگ بر شاه قاتل، برای مردم تازگی داشت و نیز با شنیدن نام «خمینی» یاد آن مرجع تبعیدی در دل آنان زنده می‌شد؛ مردم با شنیدن نام امام بی‌اختیار صلوات می‌فرستادند، سوت و کف می‌زدند و ابراز احساسات می‌کردند. پلیس شاه که از این واکنش مردم، دچار وحشت و دلهره شده بود، وحشیانه به سمت مردم یورش برد و تلاش کرد آنها را پراکنده کند، لیکن مردم از صحنه دور نمی‌شدند و بدین گونه جنگ و گریز میان مردم و پلیس تا نیمه شب ۱۷ خرداد ادامه یافت.

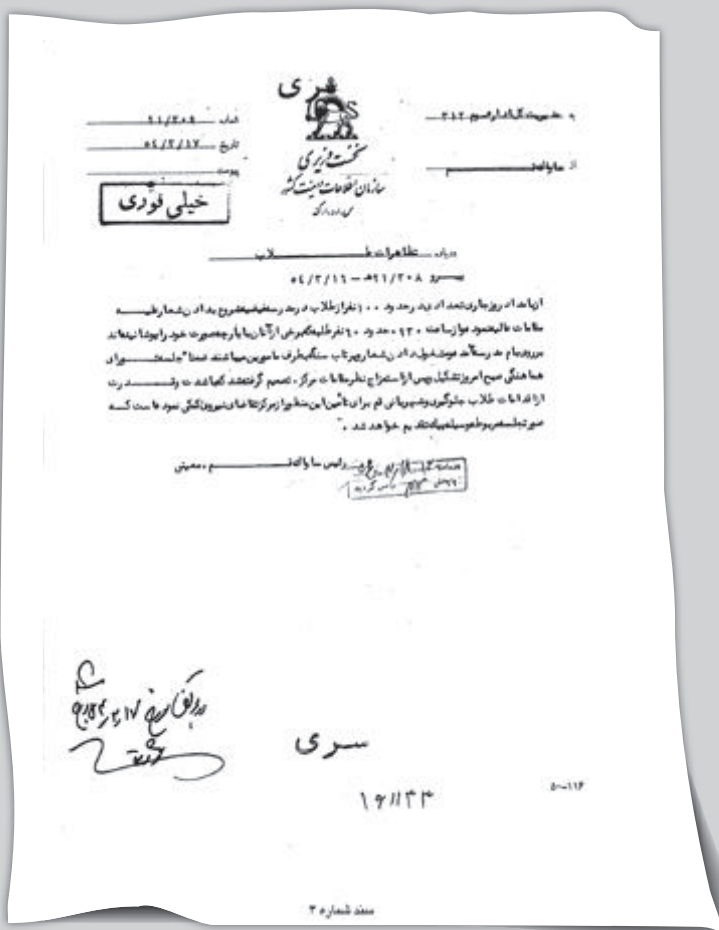
در روز ۱۷ خرداد صدها کماندو و چتر باز از گارد شاه همراه با چند دستگاه بالگرد وارد قم شدند و پیرامون فیضیه پابر جا ایستادند. ساواک قم در این روز، در گزارشی به تهران اعلام کرده است:

...از بامداد روز جاری تعدادی در حدود ۱۰۰ نفر از طلاب در مدرسه فیضیه شروع به دادن شعار علیه مقامات عالی‌ه نموده و از ساعت ۰۹۳۰ حدود ۶۰ نفر طلبه که برخی از آنان با پارچه صورت خود را پوشانیده‌اند بر روی بام مدرسه آمده و مشغول دادن شعار و پرتاب سنگ به طرف مأمورین می‌باشند. ضمناً

۲۳۱

قيام فراموش شده

دوره سوم ■ سال هشتم ■ شماره ۳۷۵ ■ بهار ۹۰





فریادگران حماسه فیضیه با دیدن نیروهای ویژه، کماندوها و چتربازها که از تهران آمده و همراه با چند دستگاه آمبولانس، ماشین‌های پلیس و آتش‌نشانی، در میدان آستانه به صف ایستاده بودند، دریافتند که به زودی فیضیه مورد یورش قرار می‌گیرد؛ از این رو، چند برنامه را به کار بستند:





۱. پرچمی قرمز در بلندترین نقطه بام فیضیه که از دور دست‌ترین نقطه شهر دیده می‌شد، برافراشتند و با این شگرد به بینندگان آن پرچم، خطر خونینی را که در پیش بود گوشزد کردند و این نکته را نیز با این کار اعلام کردند که راه آنان راه سرخ حسینی است و حماسه‌آفرینان آن روز فیضیه برای شهادت در راه آرمان‌های اسلامی آماده شده‌اند.

۲. تا آنجا که توانستند سنگ و چوب انباشته کردند و برای رویارویی خونین آماده شدند.

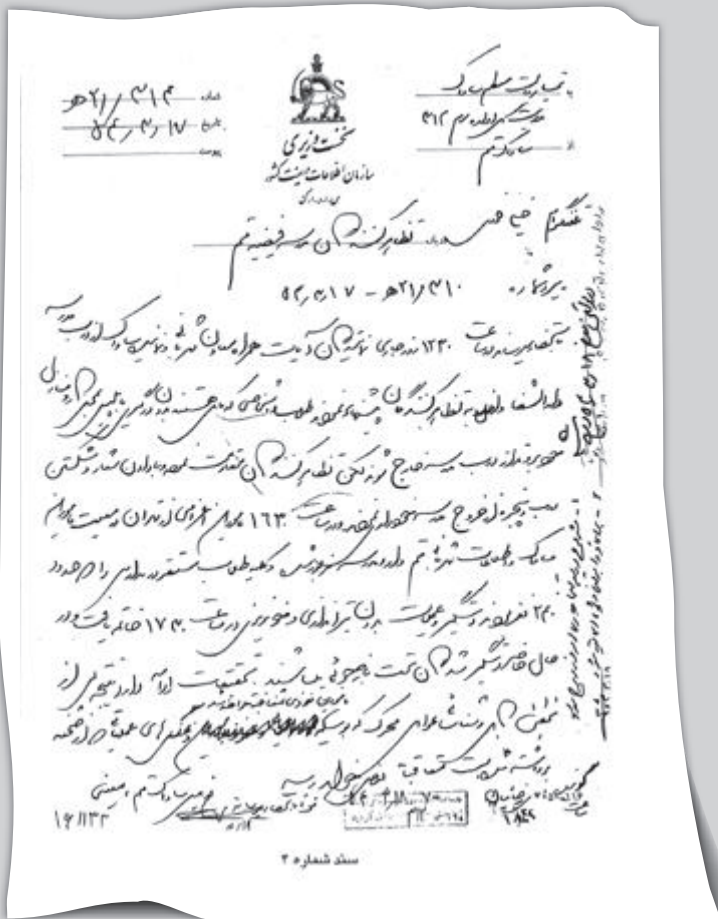
۳. از تلفن فیضیه با مراکز گوناگون اسلامی، دینی، سیاسی و علمی مانند بیت علمای قم، علمای برخی از شهرستان‌ها، آقای فلسفی، خبرگزاری‌های خارجی، خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران تماس برقرار کردند و خبر اوضاع وخیم و خونینی را که در پیش بود به آنان رسانیدند.

۴. در صحن فیضیه نشستی برگزار کردند و با یکدیگر به رایزنی پرداختند که در برابر یورش دژخیمان چه راهی در پیش بگیرند.

نزدیک ظهر روز شنبه ۱۷ خرداد، سرهنگ جوادی معاون رئیس شهربانی قم از راه دارالشفاء با تظاهرکنندگان ارتباط برقرار کرد و کوشید با به اصطلاح پند و اندرز آنان را به تسلیم وادارد. روحانیان و طلاب مبارز با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را به گریز واداشتند. ساواک قم طی تلگرافی به تیمسار نصیری (ریاست ساواک کشور) از گفت‌وگوی نمایندگان برخی از علمای قم با تظاهرکنندگان و سرسختی و مقاومت طلاب در برابر پیشنهاد آنان برای پایان دادن به تظاهرات و تسلیم شدن چنین گزارش داده است:

... در ساعت ۱۲۳۰ روز جاری نمایندگان آیات، همراه معاون شهربانی و نماینده ساواک از درب مدرسه دارالشفاء داخل و به تظاهرکنندگان پیشنهاد نمودند طلاب و اشخاصی که مایل هستند بدون درگیری با پلیس به محل کار و منازل خود بروند از درب مدرسه خارج شوند لکن تظاهرکنندگان مقاومت نموده و با دادن شعار و شکستن درب و پنجره از خروج مدرسه خودداری نمودند...^۱

۱. سند ش ۴. شکستن در و پنجره از سوی طلاب دروغی بیش نیست. شاید با این دروغ خواسته‌اند جنایت‌های وحشیانه مأموران خود را، در قیام فیضیه پنهان کنند و چنین وانمود نمایند که شکستن در و پنجره حجره‌ها کار خود طلاب بوده است!



یورش خونین به فیضیه

متعاقب این اقدامات در ساعت ۱۶:۳۰ حمله آغاز شد. طلایی که در بالای بام به مراقبت و مقاومت ایستاده بودند باز د و خوردی کوتاه به صحن فیضیه پرتاب شدند. در درون فیضیه نیز جنگ تن به تن آغاز شد. مبارزان روحانی هنگام یورش کماندوها با شعار الله اکبر، الله اکبر که به شکل دسته جمعی سر می دادند، مردم و رهگذران کنار فیضیه را به جنایاتی که در دست اجرا بود آگاه می کردند. طلاب جوان - حتی نوجوانانی که بیش از ۱۰-۱۲ سال از عمرشان نگذشته بود در برابر کماندوها تا واپسین نفس پایداری می ورزیدند. به رغم درندگی ها، خشونت ها و وحشی گری های بی حد و مرز کماندوها،



صدای عجز و لابه و گریه و ناله و درخواست هرگز به گوش نرسید. شماری از طلاب با سر و دست و کمر شکسته و بدن های خون آلود، نقش زمین شدند. کماندوها، برخی از طلاب دست و پا شکسته و خونین را به حوض مدرسه می انداختند به گونه ای که آب حوض به رنگ ارغوانی درآمده بود. برخی از طلاب توانستند از دست کماندوها و مأموران بگریزند و جان سالم به در ببرند. برخی نیز توانستند در گوشه و کناری پنهان شوند و به چنگ دژخیمان نیفتند.

کماندوهای شاه پس از سرکوب طلاب که در بام و صحن مدرسه بودند، به حجره ها یورش بردند، در و پنجره ها را شکستند، قرآن و کتاب های دینی و علمی را پاره و لگدمال کردند و طلابی را که به درون حجره ها پناه برده بودند بیرون کشیدند و به شدیدترین شیوه زیر مشّت و لگد گرفتند. مأموران ساواک، شهربانی و ژاندارمری قم نیز همراه کماندوها انجام وظیفه! می کردند و به زدن طلاب و غارت حجره ها و پاره کردن کتاب ها مشغول بودند. برخی از طلاب به سبب ضربه هایی که به سرشان وارد آمد آسیب های جبران ناپذیری دیدند، به ضعف بینایی و سردردهای مزمن دچار شدند، برخی از جانب کمر و پا و زانو آسیب های سختی دیدند و ناتوان شدند. مسئولان و کارگردانان سرکوب فیضیه پس از پایان مأموریت خود و دستگیری حدود ۳۰۰ تن از طلاب، صورت جلسه ای تنظیم کرده، در آن آوردند:



کماندوهای شاه پس از سرکوب
طلاب که در بام و صحن مدرسه
بودند، به حجره‌ها یورش بردند،
در و پنجره‌ها را شکستند، قرآن و
کتاب‌های دینی و علمی را پاره
و لگد مال کردند و طلابی را که
به درون حجره‌ها پناه برده بودند
بیرون کشیدند و به شدیدترین
شیوه زیر مشت و لگد گرفتند

صورت مجلس

چون از بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۴/۳/۱۵ عده‌ای
از طلاب ناراحت و اخلاک‌گر در داخل مدارس فیضیه
و دارالشفاء موضع گرفته و با انجام تظاهرات و دادن
شعارهای مضره علیه مقامات عالی‌مقام مملکتی موجبات
اغتشاش و بی‌نظمی منطقه را فراهم نموده بودند و با
نصب یک قطعه پرچم قرمز رنگ بر روی بلندترین نقطه
بام مدرسه فیضیه تظاهر به مقابله با پلیس نموده و چند
قطعه پارچه که روی آن شعارهای مخالف نوشته شده
بود به درب و دیوارهای مدرسه الصاق کرده بودند و با
اینکه از طرف مأمورین پلیس مکرر به آنها تذکر داده شده بود که از مدرسه
خارج و متفرق شوند توجهی ننموده و با نشان دادن چوب‌هایی که در دست
داشتند به شدت تظاهرات خود می‌افزودند. علی‌هذا ساعت ۱۶۳۰ روز
۵۴/۳/۱۷ طبق طرح و برنامه تنظیمی قبلی مأمورین شهربانی و ساواک
قم در معیت اکیپ اعزامی از مرکز به مدارس فیضیه و دارالشفاء وارد که
طلاب داخل مدارس مزبور به محض مشاهده مأمورین شروع به تظاهرات و
دادن شعارهای مخالف نموده و با سنگ و چوب به طرف مأمورین حمله‌ور
گردیدند که مأمورین ناگزیر به مقابله پرداخته و در اثر زد و خورد و پرتاب
سنگ از جانب طلاب ۱۲ نفر از مأمورین شهربانی قم مجروح و تعدادی از
شیشه‌های در و پنجره مدارس مزبور شکسته و سرانجام ۲۴۳ نفر از طلاب
مزبور دستگیر و به شهربانی دلالت گردیدند - این برنامه در ساعت ۱۷:۳۰
خاتمه پذیرفت - ب توضیح اینکه در این جریانات ۲۸ اصله از باتن‌های چوبی
و چهار عدد از کلاه‌های ایمنی مأمورین شکسته است.

رئیس ساواک قم. معینی

رئیس شهربانی قم. سرهنگ شهرستانی

معاون انتظامی شهربانی قم. سرهنگ جوادی

معاون اداری شهربانی قم. هدسرهنگ کامکار

فرمانده اکیپ اعزامی از مرکز. سروان کیا

رئیس دایره پلیس. سرهنگ ۲ پارسا

رئیس دایره زندان. سرگرد مؤمن زاده
 رئیس کلانتری بخش ۲. سروان نیکومنش
 معاون کلانتری مرکز. ستوانیکم افاضلی
 رئیس شعبه اطلاعات. هـ ستوانیکم محمدی

صورت مجلس

چون این بعد از ظهر روز بیستمین به ۱۳۰۳/۴ هـ. عدای ارباب ناراحت و اعلانگر در داخل در ارس نهیدید از انشا*
 موضع گرفته پانچام تظاهرات و دادن شعارهای بصره علیه نظامات عالیه سلطنتی موجدات افشاشی پس نظمی شده
 را فراهم نموده بودند چنانچه یک قطعه پرچم فرزندگی بر روی بلند ترین نقطه پام مدرسه تفسیه تظاهراتی علیه
 باپایین نموده و چند قطعه پارچه که روی آن شعارهای مخالف نوشته شده بود به درب و دروازه های مدرسه انصافی
 کرده بودند. بنا به اینکه از طرف مأمیرین پایش مگر به پانچام کرده اند و در مدرسه خارج متفرق شوند توضیحی
 ننموده چنانچه در آن جواب هاشی که در دست داشتند شد که تظاهرات خود می افزودند. شبیه ۱ مساعیت
 ۱۳۴۰ روز ۱۳۴۰/۴ هـ. طبق شرح پیرنانه تظاهراتی مأمیرین شهبانی و ساواک هم در مساحت اکبر از برای از مرکز
 بعد ارس تفسیه و از انشا* وارد که غلاب داخل مدرسه منبر بعضی مشاهده مأمیرین شروع تظاهرات و دادن
 شعارهای مخالف نموده پانچام و جواب ببارف مأمیرین حمله هر گرد بداند که مأمیرین ناگزیر بمطابقه پرداخته و در
 اثر زد و خورد و پیرنانه سنگی از جانب طلاب ۱۳۴۰ نفر از طلاب منبر و شهبانی قلم مجروح و تعدادی از شهبانی در
 پنجره مدرسه منبر شکسته و سرانجام ۱۳۴۰ نفر از طلاب منبر و شهبانی قلم مجروح و تعدادی از شهبانی در
 پیرنانه در مساحت ۱۳۴۰ خانه پذیرفتند و توضیح اینکه در این جریان تا ۱۳۴۰ اصله آبیان های چوبی و چهار
 عدد از کلاه های پایش مأمیرین شکسته است.

رئیس ساواک قلم. عدای
 رئیس شهبانی قلم. سرهنگ شهبانی
 معاون انتظامی شهبانی قلم. سرهنگ جواد
 معاون اداری شهبانی قلم. هـ سرهنگ کاکا
 فرمانده اکبر اعزامی از مرکز. سروان
 رئیس دایره زندان. سرگرد مؤمن زاده
 معاون کلانتری مرکز. ستوانیکم افاضلی
 رئیس شعبه اطلاعات. هـ ستوانیکم محمدی

نصف شماره ۵



حماسه آفرینان فیضیه در شکنجه گاه پادشاه

در روز ۱۸ خرداد نمایندگانی از علمای تراز اول قم برای دیدار از دستگیرشدگان به زندان شهربانی رفتند. پیش از رسیدن این نمایندگان به شهربانی، مأموران آن دسته از روحانیان و طلابی را که زخم‌های عمیقی داشتند از دیگر دستگیرشدگان جدا کردند و از دید نمایندگان دور داشتند!

در بعد از ظهر روز ۱۸ خرداد دستگیرشدگان را با چند دستگاه اتوبوس به تهران حرکت دادند. در هر اتوبوس ۱۲ تن از مأموران انتظامی و امنیتی مسلسل به دست، گماشته شده بودند و به دستگیرشدگان رخصت جنبیدن نمی دادند. دستگیرشدگان را در کف اتوبوس نشانده بودند تا از بیرون دید نداشته باشد.^۱

رئیس ساواک قم (سرهنگ معینی) همزمان با گسیل دستگیرشدگان به تهران و زندان اوین گزارشی برای تیمسار ریاست ساواک کل کشور (سپهبد نصیری) فرستاد؛ در این گزارش آورده بود:

... تاکنون دویست و هفتاد و دو نفر از طلاب که در جریانات اخیر دخالت و یا شرکت داشته‌اند وسیله مأمورین دستگیر که از این عده بیست و دو نفر در روز ۵۴/۳/۱۵ (لیست شماره یک) و شش نفر در روز ۵۴/۳/۱۶ (لیست شماره دو) و دویست و چهل و چهار نفر در روز ۵۴/۳/۱۷ (لیست شماره سه) بازداشت گردیده‌اند که اسامی و مشخصات آنان به پیوست تقدیم می گردد. برابر تحقیقات انجام شده و شواهد موجود نوزده نفر از افراد مورد نظر بیش از دیگران در انجام تظاهرات و مقابله در برابر پلیس شرکت نموده بودند که در لیست شماره سه مشخص گردیده‌اند. و یک نفر از آنان (ردیف اول لیست شماره دو) قصد ربودن اسلحه راننده شهربانی را داشته است که کلیه این افراد قرار است وسیله شهربانی به مرکز اعزام گردند...

۱. برخی از زخمی‌ها که خون زیادی از آنها رفته بود، سخت تشنه بودند و آب می‌خواستند لیکن مأموران تا تهران به کسی آب ندادند. یکی از زخمی‌ها که خون زیادی از او رفته بود به سبب شدت تشنگی با صدای بلند گفت: «من آب می‌خوام.» سربازی که بالای سر او ایستاده بود خطاب به فرمانده خود گفت: «جناب سروان! این میگه من آب می‌خوام!» فرمانده با یک لحن مخصوص پاسخ داد: «بهش بده!» سرباز با چماقی که در دست داشت چنان بر سر او کوبید که انگار از هوش رفت.

خیلی مجرمانه

شماره ۵۲۱/۳۴۱

تاریخ ۵۴/۳/۱۸

پیوست ندارد

مختص قریبی

ماده ۱۷۰ قانون ثبت

ماده ۱۷۰ قانون ثبت

ماده ۱۷۰ قانون ثبت

ماده ۱۷۰ قانون ثبت

تأکید بر این است که در صورتی که در جرایم اخیر
دخالت و یا شرکت داشته اند و سید امیرین و سید

در این محله به میت در دفتر در روز ۵۴/۳/۱۵ (لیت)

شماره یک) دفتر دفتر در روز ۵۴/۳/۱۶ (لیت شماره دو)

در لیت و چهار دفتر در روز ۵۴/۳/۱۷ (لیت شماره

سه) بازداشت گردیده اند که اسامی و مشخصات آنان

به صورت تفهیم میگردد. برابر تحقیقات انجام شده و شواهد

موجود برقراره نفر از افراد مورد نظر پیش از دیگران در انجام

تظاهرات و مطالبه در برابر پلیس شرکت نموده بودند که در

لیت شماره سه مشخص گردیده اند که آنان (در این

۵۲-۱۱۵ اول لیت شماره دو) در روز ۵۴/۳/۱۸ (لیت شماره

داشتند است که علی این افراد قول است و سید شهابی را

انجام کرده

فیس ماکال قریبی



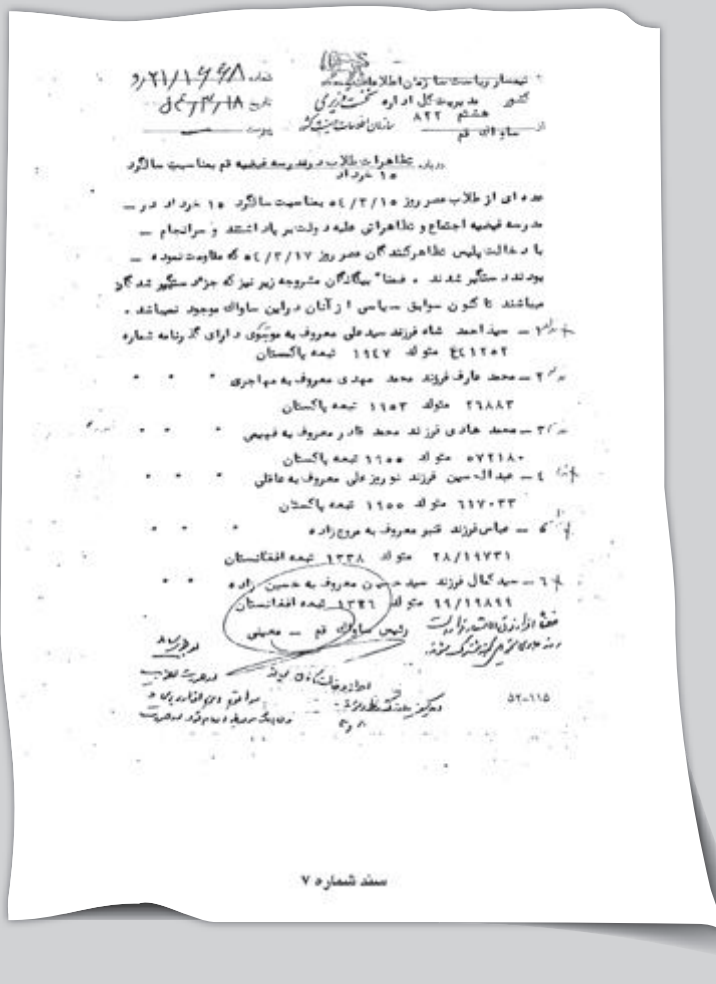
قیام ۱۷ خرداد فیضیه قم در سال ۵۴ یک قیام خودجوش و یادآور قیام خونین سال ۱۳۴۲ و آغاز نهضت امام خمینی بود. برخی از طلاب و روحانیان دستگیر شده در این قیام در بازجویی‌ها با بالندگی و صراحت، اذعان کردند که در راه برپایی حکومت اسلامی تلاش و کوشش می‌کنند و به مبارزه برخاسته‌اند. برخی نیز ریشه اندیشه سیاسی و مبارزاتی خود را در طرح و بحث حکومت اسلامی بیان می‌کردند

رئیس ساواک قم در گزارش دیگری نام چند تن از طلاب پاکستانی و افغانی را که در تظاهرات فیضیه شرکت داشتند چنین اعلام کرده است:

... عده‌ای از طلاب عصر روز ۵۴/۳/۱۵ به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد در مدرسه فیضیه اجتماع و تظاهراتی علیه دولت برپا داشتند و سرانجام با دخالت پلیس، تظاهرکنندگان عصر روز ۵۴/۳/۱۷ که مقاومت نموده بودند دستگیر شدند. ضمناً بیگانگان مشروحه زیر نیز که جزء دستگیرشدگان می‌باشند تاکنون سوابق سیاسی از آنان در این ساواک موجود نمی‌باشد.

۱. سید احمد شاه فرزند سید علی، معروف به موسوی... تبعه پاکستان
۲. محمد عارف فرزند محمد مهدی، معروف به مهاجری... تبعه پاکستان

۳. محمد هادی فرزند محمد قادر، معروف به فهیمی... تبعه پاکستان
 ۴. عبدالحسین فرزند نوروز علی، معروف به عاقلی... تبعه پاکستان
 ۵. عباس فرزند قنبر، معروف به مروج زاده... تبعه افغانستان
 ۶. سید کمال فرزند سید حسین، معروف به حسین زاده... تبعه افغانستان...
- دستگیرشدگان در ساعت ۵۰:۲۰ روز ۱۸ خرداد به زندان اوین رسیدند. از ساعت ۲۱ (هنگام ورود به زندان) تا ساعت ۴ پس از نیمه شب دستگیرشدگان را در فضای باز زندان روی موزاییک و سنگ‌ریزه‌ها بدون آب و غذا خوابانند و هرگونه سخن، حرکت، درخواست و یا اعتراضی را به شدیدترین شیوه‌ای با مشت و لگد و باتوم و شلاق پاسخ دادند و حتی به آنان رخصت به جا آوردن نماز ندادند. از بامداد روز ۱۹ خرداد، جابه‌جایی دستگیرشدگان و گسیل آنان به درون زندان آغاز شد؛ هر ۲۵ نفر تا ۳۰ نفر را در یک اتاق جا دادند. پس از پایان جابه‌جایی، بازجویی اولیه آغاز شد و تانیمه‌های شب ۲۰ خرداد ادامه یافت.
- قیام ۱۷ خرداد فیضیه قم در سال ۵۴ یک قیام خودجوش و یادآور قیام خونین سال ۱۳۴۲ و آغاز نهضت امام خمینی بود.



برخی از طلاب و روحانیان دستگیر شده در این قیام در بازجویی‌ها با بالندگی و صراحت، اذعان کردند که در راه برپایی حکومت اسلامی تلاش و کوشش می‌کنند و به مبارزه برخاسته‌اند. برخی نیز ریشه اندیشه سیاسی و مبارزاتی خود را در طرح و بحث حکومت اسلامی بیان می‌کردند. بنابر گزارش ساواک:

... غلامرضا خلف رضایی... در ادامه تحقیقات معموله اظهار داشته هنگام شرکت در جلسات انجمن دانشوران [در شهرستان دزفول] با دو نفر طلبه علوم دینی که طرفدار تشکیل حکومت اسلامی در کشور بودند آشنا و بر

اثر بحث و مذاکره با آنان، به تدریج زمینه فکری لازم جهت مبارزه در او به وجود آمده است...^۱

مأموران ساواک و دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه تلاش کردند برای پرونده‌سازی و محکوم کردن بازداشت‌شدگان دستاویزی به دست آورند؛ از این رو، بی‌درنگ به بازرسی حجره‌ها پرداختند و کتاب‌های گوناگونی را که طلاب از مارکسیست‌ها، سوسیالیست‌ها، ملی‌گراها و دیگر گروه‌ها و عناصر منحرف برای پاسخگویی در کتابخانه خود داشتند و نیز رساله «توضیح المسائل»، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام و دیگر عالمان برجسته مبارز که در میان کتاب‌های طلاب موجود بود، به عنوان مدارک جرم گردآوری کرده و دستاویز قرار دادند و طبق آن برای بازداشت‌شدگان پرونده‌سازی کردند. ساواک قم در این مورد چنین گزارش داده است:

... متعاقب دستگیری طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفاء و اعزام آنان به مرکز از شب گذشته (۱۳۵۴/۳/۱۸) وسیله مأمورین ساواک و شهربانی از حجرات مدارس مزبور بازرسی و مقداری کتب و اوراق مضرر کشف گردیده و از حجره دارالشفاء یک جعبه محتوی باطری و یک ساعت آماده برای تله‌های انفجاری و مقداری دارو کشف که تصور می‌رود برای وسایل انفجار تهیه شده است...



۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۱۳، ۱۳۵۴/۴/۲، ص ۳.



مأموران در بازرسی از حجره‌ها، صورت جلسه‌ای نیز که دربردارنده کتاب‌ها، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها، عکس‌ها، نوارها و... می‌باشد، در سه برگ تهیه کرده و به امضای نماینده دادستان قم به نام شب‌افروز، نماینده ساواک قم به نام ترابی و نماینده شهرستانی قم به نام‌های احمدی و فلاح رسانیدند.^۱

مأموران در بازجویی‌های خود از دستگیرشدگان که با شکنجه‌های توانفرسا همراه بود، توانستند از طلاب و روحانیانی که در تظاهرات فیضیه نقش داشتند و دستگیر نشده بودند سرنخی به دست آورند و چند تن از آنها را در شهرهای گوناگون دستگیر کنند و مورد بازجویی و شکنجه قرار دهند. در بولتن کمیته مشترک به اصطلاح ضدخوابکاری گزارش شده است:

... در جریان تحقیقات معموله از متهمین دستگیرشده و براساس گزارشات منابع اطلاعاتی ساواک که مشخصات تعدادی از طلاب علوم دینی شرکت‌کننده در تظاهرات و اخلاک‌گری‌های حوادث شهرستان قم را در اختیار قرار داده بودند، اقدامات لازم به منظور شناسایی و دستگیری عناصر مذکور معمول و در نتیجه ۱۲ نفر از آنان به وسیله مأمورین ساواک در شهرستان‌های قم، شیراز، ساری و دزفول دستگیر و به مرکز اعزام و مورد تحقیق قرار گرفتند. متهمین دستگیرشده که در بازرسی از حجره‌هایشان تعدادی کتب مضره مذهبی کشف و ضبط گردیده در جریان بازجویی‌های معموله به فعالیت‌های مضره و اخلاک‌گرانه خویش معترف و تحقیقات از آنان به منظور اخذ کلیه اطلاعات و دستیابی به سایر عناصر مرتبط با آنها ادامه دارد... در این گزارش نام دستگیرشدگان چنین آمده است:

ردیف	نام	شهرت	شغل
۱	محمد	حسین‌نیا	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۲	محمدیوسف	کیافتوحی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۳	احمدیوسف	کلانتری	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۴	محمد مهدی	ربانی شیرازی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۵	قدرت‌الله	علیخانی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



۶	ابراهیم	خلوتی	طلبه علوم دینی در شهرستان شیراز
۷	غلامرضا	خلف رضایی زارع	دانش آموز در شهرستان دزفول
۸	رحیم	سعیدفر	دانش آموز در شهرستان دزفول
۹	محمدعلی	امین	دانش آموز در شهرستان دزفول
۱۰	جاوید	مقصودی	دانش آموز در شهرستان ساری
۱۱	احمد	اولاد اعظمی	کشاورز در شهرستان ساری ^۱

چنانکه پیش‌تر اشاره شد شماری از مردم و دانش‌آموزان نیز به تظاهر کنندگان فیضیه پیوستند و با آنان همراهی کردند؛ در گزارش کمیته مشترک نیز نام برخی از افراد غیر روحانی و دانش‌آموزان برخی از شهرستان‌ها را می‌بینیم که در تظاهرات فیضیه شرکت داشتند و توانسته بودند هنگام یورش مأموران به فیضیه از صحنه بگریزند. پیش‌تر اشاره شد که ساواک آنان را دستگیر و بازداشت کرده است، لیکن ساواک با این دستگیری‌ها و بازداشت‌ها نیز نتوانست عاملان اصلی جریان فیضیه را بیابد؛ از این رو، ناگزیر شد چنین بنمایند که محرکان و عاملان اصلی را یافته است! لیکن هنوز دستگیر نشده‌اند! ساواک در گزارشی اعلام کرد:

... محرکین اصلی تظاهرات اخلاگران حوزه علمیه قم که دستگیر نشده‌اند به شرح زیر می‌باشند:

۱- برادران فاضل‌زاده، جواد، باقر ۲- شیخ قدرت اصفهانی ۳- شیخ خلیل (جوانی است عینکی و صبح‌ها در مدرسه بروجردی تدریس می‌کند)...^۲
ساواک برای توجیه ناتوانی خود در شناخت و دستگیری عاملان اصلی جریان فیضیه دروغ‌هایی سرهم‌بندی کرده و چنین گزارش داده است:

طرفداران خمینی در قم

جمعیتی به نام متحرکین طرفدار خمینی در قم دارای فعالیت بوده و سعی می‌کنند کم‌تر شناخته شوند، اشخاص شناخته‌شده این جمعیت عبارتند از:

۱- شیخ علی فاضل‌زاده ۲- شیخ محمد فاضل‌زاده ۳- شیخ جواد فاضل‌زاده
۴- شیخ محمد افشار ۵- سید حسین سبحانی ۶- سید محمدعلی موسوی
مازندرانی

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۱۲، ۱۳۵۴/۴/۲، ص ۲ و ۶.
۲. سند ش ۹.



افراد فوق به مناسبت معدوم شدن ۹ نفر زندانی^۱ در یک شنبه شب و دوشنبه شب ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت، مجلس فاطمه خاتون در مدرسه فیضیه قم برپا نموده و ردیف ۳ مذکور ضمن سخنرانی، از معدومین تجلیل و اظهار داشته آنان افرادی بی گناه بودند و بدون جرم کشته شده‌اند...

۱. اشاره به ۹ نفر زندانی که در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ به دست زندانبان شاه به شکل مرموزی کشته شدند و ساواک به دروغ ادعا کرد که آنان هنگام گریز از زندان هدف قرار گرفتند و از پای درآمدند! اسامی آنان به این شرح است: مصطفی خوشدل، کاظم ذوالانوار، بیژن جزنی، حسن ضیاظریفی، احمد جلیلی افشار، مشعوف کلاتتری، عزیز سرمدی، محمد چوپان زاده، عباس سورکی.

... مختصری از اعترافات متهمین دستگیر شده

۱. احمد کربوبی که عامل اصلی تظاهرات بوده در تحقیقات معموله ضمن تأیید فعالیت‌های مضره خویش، خود را از مخالفین رژیم شاهنشاهی معرفی نموده و با صراحت خود را معتقد به ایجاد حکومت اسلامی در کشور معرفی می‌کند. این فرد که دارای افکار ارتجاعی شدید است با کلیه برنامه‌های اصلاحی در کشور رفع حجاب مخالف و از سرسپردگان خمینی می‌باشد.

۲. احمد محدث یکی دیگر از عناصر دستگیر شده، معترف گردیده که تحت تبلیغ شخصی به نام حسین جوانبختی... قرار داشته و از طریق او اعلامیه‌ها و جزوات مختلف گروه به اصطلاح مجاهدین خلق را دریافت و مطالعه و به سایرین می‌داده است. وی اضافه نموده تاکنون اعلامیه‌های مختلفی منجمله «گرسنگی ناشی از چیست؟» و اعلامیه خمینی مبنی بر مخالفت با حزب رستاخیز ملت ایران را تکثیر و ضمن مسافرت به شهرستان‌های دزفول، شیراز، لاهیجان، تعدادی از این اعلامیه‌ها را در اختیار چند نفر از روحانیون مقیم شهرستان‌های مذکور قرار داده و بقیه را نیز در قم و نقاط مناسب شهرستان‌های اخیرالذکر توزیع کرده است.

۳. تعدادی از متهمین دستگیر شده در جریان تحقیقات معموله به شدت مقاومت و با اینکه دلایل کافی در زمینه فعالیت‌های مضره آنان موجود است مع هذا سرسختانه از دادن اطلاعات خود به مأمورین تحقیق خودداری می‌نمایند که بازجویی مداوم از آنها ادامه داشته و نتایج حاصله متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

ب: به دنبال دستگیری طلاب مورد بحث، از حجره‌های آنان در مدرسه فیضیه و دارالشفاء بازرسی به عمل آمد که در نتیجه حدود ۲۰۰۰ جلد کتب و نشریات مختلف مضره مذهبی، تعداد زیادی جزوات و اعلامیه‌های مربوط به گروه به اصطلاح مجاهدین خلق و اعلامیه‌های مضره مربوط به طرفداران خمینی و «روحانیون مترقی قم» و اعلامیه‌هایی مربوط به فلسطین و تعدادی نشریات کمونیستی منجمله جزوه «ضرورت مبارزه مسلحانه»، «رد تئوری بقا» کشف و ضبط گردیده است...

ت: وضعیت متهمین دستگیر شده:

در جریان تحقیقات از مجموع ۲۷۹ نفر عناصر دستگیر شده و بررسی‌هایی





که در زمینه اقدامات اخلاک‌گرا نه آنان به عمل آمد، می‌توان آنها را در پنج گروه تقسیم‌بندی نمود که در صورت استقرار رأی عالی به ترتیب زیر رفتار خواهد شد:

۱. تعداد ۴۶ نفر عناصری که فعالیت گروهی و ارتباط آنها با عناصر خرابکار محرز و در تظاهرات دخالت مستقیم داشته‌اند، پس از انجام تحقیقات و اخذ کلیه اطلاعات پرونده اتهامی آنها تکمیل و به اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال گردد.

۲. از تعداد ۷۱ نفر افرادی که در جریان تظاهرات فعالیت‌های مؤثری نداشته‌اند، آن عده که بین ۱۸ الی ۳۵ سال دارند و خدمت زیر پرچم انجام نداده‌اند برای خدمت وظیفه به اداره وظیفه عمومی تحویل و بقیه که خدمت وظیفه را انجام داده‌اند پرونده آنها به دادگاه نظامی احاله شود.

۳. تعداد ۶۱ نفر عناصری که بین ۱۰ الی ۱۷ سال دارند، پس از دادن تذکرات لازم و اخذ تعهدات کافی آزاد و به خانواده‌هایشان تحویل گردند.

۴. تعداد ۹۶ نفر متهمینی که دلایل و مدارک کافی در زمینه شرکت آنها در تظاهرات و فعالیت‌های مضره در دست نبوده و بی‌گناه می‌باشند، با اخذ تعهد آزاد شوند.

۵. پنج نفر از اتباع پاکستانی و افغانی که دلایلی حاکی از شرکت آنها در تظاهرات موجود نبوده و بر اثر محاصره مدارس مذکور دستگیر و زندانی می‌باشند به کشورهای متبوعه خود عودت داده شوند.

با تقدیم یک جلد آلبوم محتوی عکس‌هایی از صحنه‌های مختلف تظاهرات که به وسیله مأمورین گرفته شده به استحضار می‌رساند که تحقیقات مداوم از عناصر دستگیر شده و اقدامات لازم به منظور دستیابی به افراد مرتبط با آنها و کسانی که در تظاهرات شرکت داشته و در حال حاضر متواری شده‌اند در جریان بوده و نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید...

ارتشبد نصیری در زیر این گزارش یادداشت کرده است:

۱. موافقت می‌شود، اقدام شود

۲. به جز بند ۳ از اعترافات و بند «ت» بقیه به طور خبر به روزنامه‌ها داده

شود^۱

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۸۲۱، ۳۱۲، ۳/۲۶، ۱۳۵۴، ص ۲ و ۳.

به دنبال موافقت تیمسار نصیری با اعزام طلاب مشمول به نظام وظیفه، ساواک شماری از طلاب زندانی را در دو لیست جداگانه به اداره نظام وظیفه تحویل داد. ۳۸ تن از آنان در تاریخ ۵۴/۳/۳۱ به اداره نظام وظیفه تحویل شدند. ۲۴ تن دیگر از آنان نیز در مرحله دوم به آن اداره اعزام گردیدند. ساواک در تاریخ ۵۴/۴/۲۱ زیر عنوان «اعزام طلاب اخلاک‌گر به حوزه نظام وظیفه» لیست طلابی را که به سربازی گسیل شده‌اند اعلام کرده است.

شماره ۴۵۴/۱۲۹۶۱۵
تاریخ ۵۴/۳/۳۱
پست دو بر رو
در باب تحویل ۳۸ نفر متهمین به اداره نظام وظیفه عمومی
برابر با داراست آقای دبیری ۲۸ نفر متهمین درج
صورت پیوست در تاریخ ۳۱/۳/۵۴ با اخذ رسید به
در اداره نظام وظیفه عمومی تحویل گردیدند مراتب جهت
آگاهی اعمد مکتوب در بر

سید علی اداره چهارم - کنگرلو

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵۴/۹/۱۶

سند شماره ۱۱

۵۲-۲۵۷

در راستای پهنی مستقل و
 از اداره کج‌میلها و سازمان کج‌میلها
 به‌رسم ۲۱۲

در باره اعزام طلاب اخلاق به حوزه نظام وظیفه
 بدینوسیله سه برگه فتوکپی است اسامی طلاب اخلاق
 حوزه نظام وظیفه که به‌حوزه نظام وظیفه معرفی و اعزام گردیدند
 جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی و مراقبت از آنان
 به‌جست‌ایان می‌گردد. - شما "جهت کلیه افراد مذکور
 به‌رینه افراد ی تشکیل گردیده است -

رئیس اداره بکام خدمات و بررسی

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۵۲-۲۵۷

۱۳۸۴

عورت اسامی شلاب مشمول

اسم	شہرت	فرزند	شماره شناختی	عادرہ
۱۔ محمد تقی	توکسل	حسن	۲۶	گہاگان ۳۳۵
۲۔ عباس علی	فراشلی	محمد حسین	۱۱	دامغان ۱۳۳۴
۳۔ سید طہ محمد	سورجی	سید مرتضیٰ	۴۲۴۶۸	بست ۱۳۳۵
۴۔ حسن	جلالہ	شکر اللہ	۲۹۴	آمل ۱۳۳۴
۵۔ علی اکبر	ارجمند	رفیقا	۵۰۷	سرخان ۱۳۳۵
۶۔ چہان زہر	دھانی	عباس علی	۳	شہر ۱۳۳۵
۷۔ علی اکبر	خیمہ ای	آغا خان	۷۶۰	بامیل ۱۳۳۵
۸۔ یوسف	احمدی	عباس	۱۲۲۸	زنجبان ۱۳۳۶
۹۔ محمد علی	نکونام	قنوی	۳۱۴	گہاگان
۱۰۔ سید باقر	میراحمدی	سید نفی	۳۱۴	روہر ۱۳۳۴
۱۱۔ سید حسین	مرتضوی	نورالدین	۱۰۹۴	
۱۲۔ نبی اللہ	ابراہیم زادہ	محمد رضا		۱۳۳۵
۱۳۔ عباس علی	فاطمہ	پدالہ	۷۴۱	اسفہان ۱۳۳۲
۱۴۔ سید جعفر	مرتضوی	نجاع	۲	شہرگز ۱۳۳۵
۱۵۔ محسنی	جوانمندی	محمد رحیم		شہر ۱۳۳۵
۱۶۔ اعلام الدین	رجسٹار	احمد		شہر
۱۷۔ ہادی	فاہیل	محمد	۵۳۱۵	تہت جام ۳۳۴
۱۸۔ محمد حسین	مستاری	محمد علی	۲۵	بست ۱۳۳۵
۱۹۔ اصغر	اصلاحی	نادر علی		۱۳۳۷
۲۰۔ نجفی	خلیلی	احمد	۱۸	داران ۱۳۳۵
۲۱۔ سید محمد	تقوی	سید علی اصغر		دامغان ۱۳۳۲
۲۲۔ محمد رضا	همراء فراطکس	حسین	۶۰۵۱۰	شہر ۳۳۵
۲۳۔ حسن	اکبری	علی اکبر	۱	مرشد
۲۴۔ محمود	خادمیان	محمد تقی	۳۰۰	اسفہان ۳۳۵
۲۵۔ ابوطالب	طالبی	علی اکبر	۲۹	ساری ۱۳۳۰

سند شماره ۱۲-۲





۲۶- براتعلی	میرزا علی	عزیزعلی	۴۵	اصفهان ۱۳۳۴
۲۷- تقی	عجمی	فضل الله	۲۰۶	ساری ۱۳۳۵
۲۸- محرم	محمدی	ابراهیم	۱۹	قزوین ۱۳۳۳
۲۹- هاشم	احمدی	علی باقر	۵۲۷	اردبیل ۱۳۳۱
۳۰- محمدعلی	علی آبادی	یوسف	۲۹	گرجان ۱۳۳۱
۳۱- نجف	آقایی	سلیم	۲۳	قزوین ۱۳۳۴
۳۲- حسین	تقی	ابوالقاسم	۶۶۳	دامغان ۱۳۳۲
۳۳- حسین	حسینی	درویش	۶۷۴۴	رفسنجان ۱۳۳۳
۳۴- علی	رجبعلی	محمد	۴	رفسنجان ۱۳۳۳
۳۵- محمد رضا	افشاری	عاجلی	۷۵۴	ساری ۱۳۳۴
۳۶- محمد باقر	خلیلی	ولی	۲۷۰	بهشهر ۱۳۴۵
۳۷- حسین	مهدوی	شجاع الدین	۲۱۷۲	زکریا ۴۳۳
۳۸- بهمن	دراپسی	علی اکبر	۱۸	نمشهر ۲۳۴
۳۹- علی اکبر	میرزا علی	حسین		قم ۲۳۴
۴۰- قلامحسین	غیدادی	محمد		قم ۱۳۴۵
۴۱- علی اکبر	تقی	خلیل	۲۰۱	بهشهر ۱۳۳۳
۴۲- قربانعلی	بابا	ن	۲۱۸۴	ساری
۴۳- محمد حسین	عبدالمجید	غلامرضا		گناباد ۱۳۳۵
۴۴- حسینعلی	طالسی	قربانعلی	۹	نمشهر ۱۳۲۹

صورت اسامی غلاب مشغول

نام پدر	تاریخ تولد	نام	تاریخ تولد
محمد طوسی	۱۳۳۴	۱- حسن	۱۳۳۴
طوسی	۱۳۳۶	۲- عبداللہ	۱۳۳۶
مرتضی	۱۳۳۳	۳- عباس	۱۳۳۳
سراد طوسی	۱۳۳۱	۴- طوسی	۱۳۳۱
نور طوسی	۱۳۳۵	۵- نور اللہ	۱۳۳۵
مہدی طوسی	۱۳۳۰	۶- ابوالقاسم	۱۳۳۰
موسی	۱۳۳۳	۷- محمد طوسی	۱۳۳۳
پسارگار	۱۳۳۴	۸- مجید	۱۳۳۴
سید عباس	۱۳۳۵	۹- سید محمد	۱۳۳۵
عزیز مراد	۱۳۳۵	۱۰- محمد اسماعیل	۱۳۳۵
عبدالعزیز	۱۳۳۵	۱۱- کریم	۱۳۳۵
طوسی	۱۳۳۳	۱۲- داود	۱۳۳۳
زہیح اللہ	۱۳۳۶	۱۳- ولی اللہ	۱۳۳۶
احمد	۱۳۳۵	۱۴- محمود	۱۳۳۵
اکبر	۱۳۳۱	۱۵- مصطفی	۱۳۳۱
محمد طوسی	۱۳۳۶	۱۶- رضا علی	۱۳۳۶
ابوالقاسم	۱۳۳۱	۱۷- یوسف علی	۱۳۳۱
احمد	۱۳۳۸	۱۸- طوسی	۱۳۳۸
سید مہدی	۱۳۳۲	۱۹- سید ناصر	۱۳۳۲
محمد طوسی	۱۳۳۵	۲۰- قلام عباس	۱۳۳۵
حسن	۱۳۳۶	۲۱- طوسی	۱۳۳۶
سید حسین	۱۳۳۲	۲۲- سید منصور	۱۳۳۲
سید باقر	۱۳۳۲	۲۳- سید حنان	۱۳۳۲
احمد	۱۳۳۵	۲۴- غلام عباس	۱۳۳۵





بایسته یادآوری است طلابی را که به سربازخانه‌ها گسیل داشتند، معافیت تحصیلی داشتند و در مدت تحصیل از معافیت برخوردار بودند و تحویل آنان به اداره نظام وظیفه برخلاف قانون بود، اما رژیم شاه هیچ‌گاه به قانون بها نمی‌داد و به نام قانون و نظام مشروطه حکومت استبدادی را دنبال می‌کرد و همانند دوران پیش از استقرار نظام مشروطه «رأی» و «فرمان» شاه و «وامر ملوکانه» حکم قانون را داشت؛ از این رو، می‌بینیم ساواک طی نامه‌ای به فرماندهی ژاندارمری کشور پیرامون «اعزام طلاب» به اداره نظام وظیفه چنین نوشته است:

...تعدادی از طلاب علوم دینی که صلاحیت ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه را ندارند به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر جهت انجام خدمت به اداره وظیفه عمومی طبق لیست پیوست معرفی و اعزام می‌گردند. خواهشمند است دستور فرمایید پیش‌بینی‌های لازم را معمول دارند تا در موقع معرفی و اعزام نامبردگان به اداره وظیفه عمومی اشکالی پیش نیاید. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور. ارتشبد نصیری^۱

ساواک در گزارش‌های خود پیرامون آمار و ارقام دستگیرشدگان فیضیه و نیز در مورد شمار طلابی که به نظام وظیفه اعزام شدند، نتوانسته است آمار دقیق و درستی ارایه دهد. درباره دستگیرشدگان از ۲۴۳ نفر تا ۲۷۲ نفر و تا ۳۰۰ و اندی نفر در گزارش‌ها آمده است؛ شاید یک علت آن دستگیری طلاب و روحانیانی بوده است که توانسته بودند، هنگام یورش کماندوها از صحنه بگریزند و در فرصت‌های دیگر در قم و در برخی از شهرستان‌ها شناسایی و دستگیر شدند؛ علت دیگر به پریشانی، سرآسیمگی و نداشتن تمرکز فکری مأموران و مقامات ساواک برمی‌گردد که در برابر خیزش و خروش رعدآسای فرزندان فیضیه خود را باخته و سرگشته و آشفته شده بودند. از این رو، می‌بینیم در گزارش‌های نخستین، شمار طلابی را که به سربازخانه روانه کردند در دو لیست جداگانه ۳۸ نفر و ۲۴ نفر نمایانند، لیکن نامه رئیس ساواک کل کشور به فرماندهی ژاندارمری - که بدان اشاره شد - همراه با نام‌های ۶۸ تن از طلاب علوم اسلامی، می‌باشد؛ با وجود این در زیرنویس نامه یادشده آمده است:

صورت اسامی ۳۹ نفر که مجدداً به وسیله بخش ۳۱۲ تنظیم شده بود به تیمسار سرلشکر دولو قاجار داده شد... بقیه افراد در روز ۵۴/۳/۳۱ به بلوار الیزابت اداره وظیفه عمومی به سرکار سرهنگ اتابکی تحویل داده شود.

فرماندهی زانداوروی کسپه
(هر - ۱)
سخت گیری
ماده انحراف است

دہادہ اعزام طلبہ مشغول مشیاء فوری

تعداد از انقلاب علوم دینی که صلاحیت اراده شصت و هجده و
حوزه های نظریه دارند. و برقرار منابع جاریه حضرت همام
شاهنشاه آریا به جهت انجام خدمت اداره و نظریه عمومی
طبق لیست پیوست معرفی و اعزام میگردد. خواهشمند است
و دستور فرماید پیش پهنی لازم را معمول دارند از زمان رونق معرفی و
اعزام تا صادر نامه اداره و نظریه عمومی است. ان شاء الله تعالی
رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور و رئیس هیئت مدیره
از طرف

تیم به کشته و دانی
در میان مردم
و در میان مردم
و در میان مردم

۱۳۰۲-۱۳۰۳

کتابخانه ملی ایران

۱۳۰۲-۱۳۰۳

کتابخانه ملی ایران



بازتاب‌ها و واکنش‌ها

همزمان با یورش کماندوها به مدرسه فیضیه، شاه در یک سخنرانی، قیام ۱۵ خرداد را مورد حمله و اهانت قرار داد و از هم‌صدایی دانشجویان دانشگاه و حوزه در گرامیداشت آن روز حماسی اظهار شگفتی و حیرت کرد. شاه در سخنان خود که نگرانی و ناآرامی و خشم و کین از آن نمایان بود، چنین گفت:

پریروز یا یک روز پیش‌تر در محیط دانشگاهی ایران منجمله دانشگاه تهران، ما شعارهایی دیدیم عجیب یعنی با همان عناصر بی‌وطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد. ملاحظه بکنید! ۱۵ خرداد. معنای آن چه بود؟ یک دقیقه پیش گفتم چطور ممکن است یک ایرانی آن روز سیاه و کثیف را گرامی بدارد؟! این از دهن مرتجع سیاه و بی‌وطن سرخ درمی‌آید. البته این را میل دارم مطالعه کنید. گواینکه یک چیز عجیبی نیست... ولی معلوم می‌شود این دو دسته در یک چیز با هم شریک هستند و آن در کجروی و بدسلیقگی. این را بدم نمی‌آید اگر خانم‌ها و آقایان به خودشان زحمت می‌دادند که در اطراف این موضوع یک قدری بررسی و غور کنند که اصلاً یک کسی چطور از خودش خجالت نمی‌کشد که بیاید و به اصطلاح ارتجاع سیاهی را که باعث بدبختی این مملکت می‌شد تجلیل کند...^۱

به دنبال این گفتار شاه، روزنامه‌های وابسته به دربار نیز بر ضد قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به سمپاشی و جوسازی دست زدند و تظاهرات دلاوران فیضیه در خرداد ۵۴ را حرکتی ارتجاعی و توطئه کمونیستی وانمود کردند و تلاش کردند آن را به زیر سؤال ببرند.

رویداد خرداد ۵۴، موجی از خشم و نگرانی در سراسر کشور پدید آورد. خبر یورش کماندوها به فیضیه و سرکوب طلاب و دستگیری دسته‌جمعی آنان، در حوزه‌های علمی، محافل روحانی، مجامع مذهبی و در میان عموم مردم، به‌ویژه کسانی که فرزندان‌شان در قم به تحصیل علوم اسلامی سرگرم بودند، بازتاب ناگواری به همراه داشت و مایه نگرانی و بی‌قراری همگان شد و خشم و کین مردم را نسبت به رژیم شاه فزونی بخشید و بسیاری از روحانیان و مردم را به جنب و جوش و تکان داد. نخستین واکنش از سوی علمای قم بود که در اعتراض به جنایات مأموران شاه در فیضیه بی‌درنگ نماز جماعت را تعطیل کردند. دیگر پیشنمازهای قم نیز در قم و برخی از شهرها از حضور در مساجد و برگزاری نماز جماعت خودداری ورزیدند. علمای تراز اول قم در روز ۱۸ خرداد ۵۴ برای رایزنی و

۱. کیهان، ۱۳۵۴/۳/۱۷، ص ۲.

رویداد خرداد ۵۴، موجی از خشم و نگرانی در سراسر کشور پدید آورد. خبر یورش کماندوها به فیضیه و سرکوب طلاب و دستگیری دسته جمعی آنان، در حوزه‌های علمی، محافل روحانی، مجامع مذهبی و در میان عموم مردم، به ویژه کسانی که فرزندان‌شان در قم به تحصیل علوم اسلامی سرگرم بودند، بازتاب ناگواری به همراه داشت و مایه نگرانی و بی‌قراری همگان شد و خشم و کین مردم رانسبت به رژیم شاه فزونی بخشید

تصمیم‌گیری پیرامون فاجعه فیضیه در بیت بنیانگذار حوزه قم (آیت‌الله حائری یزدی) گرد آمدند. اساتید، روحانیان و طلاب قم نیز به عنوان اظهار همدردی و پشتیبانی از دلاوران فیضیه به اعتراض برخاستند و دست به تظاهرات زدند و در جلوی منزل آیت‌الله حائری اجتماع کردند و از علما که در آن منزل نشست داشتند، خواستند که وظیفه آنان را در برابر جنایات رژیم شاه در فیضیه روشن کنند.

علما در این نشست به نتایج ذیل رسیدند:

۱. نمایندگان به زندان شهربانی بفرستند و برای مداوای زخمی‌شدگان و برطرف کردن نیازمندی‌های دستگیرشدگان اقدام کنند.

۲. از دستگیرشدگان، آنان که همسر و فرزند دارند،

شناسایی شوند و به همسر و فرزندان‌شان از نظر مادی کمک کنند.

۳. برای خنثی کردن پیرایه کمونیستی و دیگر نسبت‌های ناروا که از سوی دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه به طلاب دستگیر شده روا داشته شده است، نامه‌هایی به دیگر مقامات روحانی بنویسند و از دستگیرشدگان پشتیبانی کنند.

۴. اقدامی ریشه‌ای برای بازپس‌گیری مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفاء به عمل آورند.

ساواک قم در تلگرافی به تهران چنین گزارش داده است:

... ساعت ۱۰ روز جاری آیات شریعتمداری، گلپایگانی، نجفی جهت تبادل نظر پیرامون اوضاع و احوال اخیر حوزه به منزل شیخ مرتضی حائری رفته و تعداد کثیری از طلاب در کوچه و جلو درب منزل مذکور اجتماع نمودند. پس از مدتی با اصرار طلاب درب منزل باز و آنان را به داخل هدایت کردند. شیخ مرتضی حائری به نمایندگی از طرف آیات از اتاق خارج شده و با گریه و التماس از طلاب خواست به خاطر حفظ حوزه دست از اجتماع و تظاهرات بردارند و اصلاح امور را به عهده مراجع واگذار کنند و به طلاب قول مساعد داد که با تماس با مقامات، مدرسه فیضیه را تحویل بگیرد و نمایندگان جهت ملاقات با دستگیرشدگان از طرف مراجع اعزام دارند





که در نتیجه طلاب ساعت ۱۲۰۰ متفرق شده و جلسه آیات نیز در ساعت ۱۲۳۰ خاتمه پذیرفت. از جانب شریعتمداری، ابوالفضل فیض مشکینی، از جانب گلپایگانی، شاکری از طرف نجفی مرعشی، شرعی شیرازی و دو نفر طلبه به اسامی سیدحسن طاهری خرم‌آبادی و موسوی تویسرکانی به نمایندگی طلاب تعیین گردیده که ضمن مراجعه به شهربانی از وضع و حال دستگیرشدگان و مجروحین جويا شده و در صورت لزوم کمک‌هایی به آنان بنمایند. ضمناً تا آنجایی که کسب اطلاع شده نتیجه مذاکرات آیات در سه مورد اصلی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. تسریع در پرداخت شهریه و تعطیل مدارس، به منظور متفرق کردن طلاب و خلوت کردن حوزه.

۲. عیادت از مصدومین حادثه و ملاقات با دستگیرشدگان و کمک به خانواده آنان.

۳. درخواست استرداد مدرسه، به دستگاه روحانیت به منظور اسکان مجدد طلاب.

با توجه به اینکه نمایندگان مذکور هم اکنون در شهربانی قم می‌باشند مقرر فرمایید در استرداد مدرسه صریحاً نظریه اعلام فرمایند. رئیس ساواک قم. معینی^۱

از پاسخی که تیمسار نصیری به صورت یادداشت داده است، کینه او نسبت به حماسه‌آفرینان فیضیه به درستی آشکار می‌شود. در پاسخ او آمده است:

۱. کوچک‌ترین ارفاقی نسبت به این افراد نباید کرد، اینها همان ارتجاع سیاه هستند. در اخبار اعمال آنها درج شود.

۲. محرکین اصلی تحت تعقیب قرار گیرند و مشمولین به نظام وظیفه بروند و شدیداً باید در خدمت وظیفه تحت مراقبت و خدمت سخت انجام دهند.

۳. رئیس ساواک قم به آقایان آیات قم بگوید آنچه استنباط می‌شود اینها با موافقت و حمایت شما به این اعمال دست زده‌اند و پیغام شما یک عمل ظاهری بوده است و کمک و دیدار از فامیل آنها خود بهترین دلیل است.

این افراد دیگر به قم حق مراجعت ندارند و چنانچه به این روش ادامه دهید به جز آنکه به حوزه قم صدمه بخورد نتیجه دیگری عاید شما نخواهد شد...^۲

۱. سند ش ۱۴.

۲. سند ش ۱۵.

خیل مجرمانه

شماره ۲۱۱/۴۰
تاریخ ۵۴/۳/۱۸

به ۲۱۲
از قسم

پرونده گرام شماره ۵۴/۲/۱۸ - ۲۱۱/۴۰

ساعت ۱۰ روز جاری آيات شرعیه است. آری - گناه یابی - نجفی جهت تیار ل نظیر برامینا و ساع
احوالا غیر حوزیه بمنزل شیخ مرتضی حائری رفته و تعداد کثیری از طلاب در کوچه و جلوس و در ب
منزل مذکور اجتماع نمودند پس از مدتی با اصرار و طلب در ب منزل بازگشتن را بده اخل شد ایست
کردند شیخ مرتضی حائری بنمایندگی از طرف آيات از اتاق خارج شد و بیابریه و انشاس از طلب
خواست به خارج حفظ حوزیه و دست از اجتماع و تظاهرات بردارند و اصلاح امیر را بجمع
مراجع و اگر ارشاد و طلب نیازمند که با انشاس با مقامات مدرسه فقهیه را تحویل بگسرد و
نمایندگی جهت ملاقات با د ستغیر شدگان از طرف مراجع اعزام دارند که در نتیجه طلب
ساعت ۱۰ - متفرق شد و جلسه آيات نیز رساعت ۱۲ - غایتی به دریافت از جانب شرعیه است و
امیر لفضل فقیه شنگینی از جانب گناه یابی شاکری از طرف نجفی مرتضی - شرطش شورا زد و ونفس
طلبه با سامی سید حسن ظاهری غرض آيات و موسسین و تیسرگانی بنمایندگی طلب تعیین گردید و
که ضمن مراجعه بشهریاری از وضع و حال د ستغیر شدگان و موسسین جویا شد و در صورت لزیم
گناه یابی با آن بنمایند - فعلا "آتیا" که کسب اطلاع شد و نتیجه مذاکرات آيات در رسه مسود
اصلی بشن زبر خلاصه میشود .

- ۱ - تسریع در برادر احدث شهریه و تعطیل مدارس و بنظر موقوفی کردن طلب و غشوت کردن حوزیه .
- ۲ - عیادت از رسد و بین و موسسین حاد شه و ملاقات با د ستغیر شدگان و نگه داشتن آنسان .
- ۳ - در خواست استرداد مدرسه بد سنگه و روحانیت بمنظور اسکان مجدد و طلب با توجه
با اینکه نمایندگان مذکور هم اکنون در شهر یابی قم میباشند مقرر گردید که در استرداد مدرسه
صرحاً بطریقه اعلام فرمایند .

رئیس ساواک قم - معینی

درجی بجهت
 ۱۲/۱۱/۳۳
 ۵/۱۸
 ۲/۱۸
 ۱۲/۱۱/۳۳

سند شماره ۱۴



این دستورالعمل که از آن بوی خون می آید، عظمت و برجستگی فروش فیضیه و نقش آن در شکستن خفقان بازآمده از حزب رستاخیز و نیز نگرانی و آشفتگی که برای رژیم شاه در پی داشت را تا پایه‌ای آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که رئیس ساواک ایران با خشم و کین به خود رخصت می‌دهد بدون مجوز قانونی، آن قهرمانان را برای همیشه از بازگشت به قم به گمان خود بازدارد!! و حوزه قم را از عناصر سلحشور، پرشور، زنده و رزمنده تهی سازد تا آن حوزه به گورستانی خاموش بدل شود. او و دیگر سردمداران شاه بر این باور بودند که خیزش و خروج در قم، ریشه در فعالیت این چند صد تن طلبه‌ای دارد که در ۱۵ خرداد ۵۴ لرزه بر اندام کاخ‌نشینان افکندند و بر چهره غمبار و خاک گرفته ایران نور پاشیدند و به آن جان بخشیدند. آنها نمی‌توانستند دریابند که رهروان راستین راه خمینی و فرزندان انقلابی آن رهبر سترگ در سراسر ایران، برای پدید آوردن رستاخیزی عمومی و انقلابی اسلامی آماده می‌شوند و آن حماسه‌ای که در ۱۵ خرداد ۵۴ در قم به نمایش درآمد، به زودی در سراسر ایران جلوه‌گر خواهد شد و کاخ‌ها را فرو خواهد ریخت و قدرت پوشالی شاه و ساواک را در هم خواهد شکست. دستگاه امنیتی شاه بر آن بود دلاوران فیضیه را به گونه‌ای کیفر دهد که از همگان زهر چشم بگیرد.

شاه و ساواک دنبال پیاده کردن این نقشه بودند که خیزش فیضیه را یک جریان مارکسیستی بنمایانند که ریشه در توطئه بلوک شرق بر ضد رژیم شاه و سیاست‌های امریکادر ایران دارد و با خواست ملت ایران که همگی یک دست و یک زبان پشت سر شاه ایستاده! و به حزب رستاخیز پیوسته‌اند! هیچ گونه ارتباطی ندارد! لیکن پشتیبانی آیات قم از حماسه‌آفرینان فیضیه می‌توانست این نقشه شاه را با شکست روبه‌رو کند؛ از این رو، می‌بینیم تیمسار نصیری در یادداشت خود، برای بازداشتن علمای قم از پشتیبانی نسبت به تظاهرکنندگان فیضیه و دلاورمردان قیام ۱۷ خرداد خط و نشان می‌کشد و تهدید می‌کند: «... چنانچه به این روش ادامه دهید به جز آنکه به حوزه علمیه قم صدمه بخورد، نتیجه دیگری عاید شما نخواهد شد...»! لیکن این بیم دادن و خط و نشان کشیدن نتوانست علمای قم را از وظیفه و مسئولیتی که در آن برهه بر دوش داشتند باز بدارد. آیات قم بنابر تصمیمی که در بیت آیت‌الله حائری باریزنی و هم‌اندیشی گرفته بودند، به پخش نامه‌هایی دست زدند و در این نامه‌ها از «طلاب و محصلین علوم دینی» که بی‌گناه مورد «ضرب و جرح قرار گرفته» و به زندان کشیده شده بودند حمایت کردند. در نامه آقای سیدمحمد رضا گلپایگانی به آقای سید احمد خوانساری آمده است:



شاه و ساواک دنبال پیاده کردن این نقشه بودند که خیزش فیضیه را یک جریان مارکسیستی بنمایانند که ریشه در توطئه بلوک شرق بر ضد رژیم شاه و سیاست‌های امریکا در ایران دارد و با خواست ملت ایران که همگی یک دست و یک زبان پشت سر شاه ایستاده! و به حزب رستاخیز پیوسته‌اند! هیچ گونه ارتباطی ندارد! لیکن پشتیبانی آیات قم از حماسه‌آفرینان فیضیه می‌توانست این نقشه شاه را با شکست روبه‌رو کند

بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری
دامت برکاته

با ابلاغ سلام و استفسار از سلامت وجود محترم، به طوری که استحضار دارید، چند روز پیش عده‌ای از مأمورین به مدرسه فیضیه و دارالشفاء حمله کردند و درب و پنجره‌ها را شکستند و جمعی از طلاب و محصلین علوم دینی را مضروب و مجروح و بازداشت نمودند. این فاجعه ناگوار موجب تأثر عمیق حقیر و جامعه روحانیت گردید. تهمتهای ناروایی که در مطبوعات نسبت به روحانیت درج شده، تکذیب می‌شود و ساحت مقدس روحانیت شیعه از تأیید مرام کمونیسم منزّه و مبرا است. مستدعی است به هر نحو مقتضی می‌دانید عاجلاً برای رفع منع از مدرسه فیضیه و دارالشفاء و آزادی طلاب و زندانیان بی‌گناه اقدام فرمایید تا رفع نگرانی شود و تذکر دهید جراید را از توهین به مقدسات اسلامی باز دارند و بیش از این موجبات نگرانی مسلمانان را فراهم ننمایند. سلامت و دوام تأییدات وجود مبارک را از خداوند متعال مسئلت دارم. تاریخ غره ج ۹۵/۲، محمدرضا الموسوی الگلپایگانی^۲

آقای شهاب‌الدین مرعشی نجفی نیز نامه‌ای خطاب به آقای سید احمد آشتیانی نوشته است:

بسمه تعالی
حضرت مستطاب آیت الله آقای آشتیانی دامت برکاته
به عرض محترم عالی می‌رساند: از ساحت قدس ربوبی دوام توفیق و تأییدات سرکار را مسئلت می‌نماید. غرض از تصدیع چنانچه خاطر شریف مستحضر شده حادثه ناگوار حمله ناجوانمردانه به مدرسه فیضیه که منجر به خسارات زیاد و ضرب و شتم و هتک و دستگیری جماعتی از طلاب و محصلین محترم علوم دینی گردید، موجب تأثر و تأسف عمیق داعی و کلیه

۱. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۱

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

اهل علم حوزه مقدسه علمیه قم و سایر طبقات مؤمنین و جریحه دار شدن قلوب شده چنانچه این مطلب را در نوشته سابق متذکر شدم. و مزید بر علت مفتریات و اکاذیب واضحه بعضی از جراید در مورد دستگیرشدگان می باشد.

جای بسی تأسف است که این اسنادهای ناروا از حیث افعال و مرام به طلاب علوم دینی که از سربازان مذهب و ولی عصر (عج) می باشند داده شود. لذا مصدع شده امید است در ترمیم این خصوص و استخلاص محبوسین بی گناه معجلاً اقدام فرموده تا رفع نگرانی عموم خاصه روحانیون بشود. بدیهی است نتیجه را هر چه زودتر اعلام خواهید فرمود. در خاتمه مستدعی دعا به جهت رفع این گرفتاری ها می باشم. والسلام خیر ختام. فی ۲/۱۳۹۵،^۱ شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی^۲
آقای سید کاظم شریعتمداری نیز در اعلامیه کوتاهی آورده است:
بسمه تعالی

حادثه مولمه و گرفتاری طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفاء موجب کمال تأسف و تأثر است. روحانیت شیعه و حوزه علمیه قم با مرام کمونیستی و مادیگری به هیچ وجه و قسمی امکان سازش ندارد و طلاب بازداشت شده از مدرسه فیضیه و دارالشفاء هیچ کدام وارد این مرام نیستند و آنچه در جراید نوشته شده است صحیح نیست و تکذیب می شود.
از خداوند متعال مسئلت می نمایم آقایان طلابی که گرفتار شده اند به زودی مستخلص شوند. ۳ جمادی الثانی ۱۳۹۵،^۳ سید کاظم شریعتمداری^۴
آقای سید محمد صادق روحانی نیز در نامه ای خطاب به آقای میلانی آورده بود:
بسمه تعالی والیه المشتکی

حضرت آیت الله میلانی دامت برکاته
با یک دنیا تأثر و ناراحتی به عرض مبارک می رساند در چند روز قبل عده ای از طلاب و محصلین جوان و متدین در مدرسه فیضیه و دارالشفاء به بهانه آنکه دو شب قبل از آن، مجلس ختمی حسب المعمول برای شهدا گرفته

۱. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۲

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

۳. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۳

۴. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



بودند، مورد حمله مسلحانه ناجوانمردانه کماندوهای دولتی اعزام شده از تهران قرار می‌گیرند و در حدود یک ساعت آنها را مورد ضربات شدید قرار می‌دهند که تا حال نمی‌دانیم چند نفر مرده‌اند و چند نفر جراحات خطرناک دارند. چون نتوانستیم از نزدیک شاهد اوضاع باشیم و در تمام این مدت از عزیزان ما غیر از الله اکبر و ان تنصرو الله ینصرکم و دعوت یکدیگر به استقامت و مواسات، چیزی نقل نشده و پس از آن آنها را به شهربانی برده‌اند و در مسیر راه هم آنها را کتک می‌زده‌اند و پس از ۲۴ ساعت آنها را با وضع دلخراشی منتقل به تهران نموده‌اند و از همان وقت تا حال هر دو مدرسه با ائاثیه طلاب در تحت اختیار دولتی‌هاست و بعد از آن روزنامه‌ها آنچه ممکن بوده است نسبت‌های دروغ و بی‌اساس و ناروا به آنها داده و وقاحت را به جایی رسانده‌اند که راستی روی تاریخ را سیاه و موجب خشم و نفرت عمومی قرار گرفته‌اند. به هر حال خواسته‌های خود را بعرض می‌رساند و تقاضا می‌شود با مصادر امر تماس گرفته و انجام فوری آنها را بخواهید.

۱. رسیدگی فوری به وضع طلاب زندانی و مداوای آنان و بالاخره آزادی از زندان؛

۲. عدم تعرض دولتی‌ها به طلاب قم، چون مرتب ایجاد ناراحتی برای آنها می‌نمایند؛

۳. پس دادن ائاثیه؛

۴. تحویل دادن فیضیه و دارالشفاء به زعمای حوزه بدون قید و شرط؛

۵. توبیخ روزنامه‌نویس‌ها و جلوگیری از اهانت بیشتر به مقدسات دینی؛

۶. رسیدگی جدی در اصل قضیه و مجازات مأمورینی که مرتکب خلاف شده‌اند.

در خاتمه منتظر اقدام فوری و اعلام نتیجه می‌باشم. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته ۳ ج ۹۵/۲، محمدصادق الحسینی الروحانی

برخی از روحانیان مبارز قم برای پخش این نامه‌ها به شکل‌های پلی‌کپی، تاپی، فتوکپی و... تلاش و کوشش پیگیر و فراوانی داشتند و گاهی نیز این نامه‌ها را همراه با پیش‌نویسی روشنگرانه پراکنده می‌ساختند که نمونه‌هایی از آن را در پی می‌آوریم:

بسم الله المنتقم القهار

خردادماه جاری شاهد فاجعه بزرگ و حادثه‌ای خونین بود. طلاب و محصلین محترم حوزه علمیه قم در روز ۱۵ خرداد به خاطر تجلیل از شهدای این روز تاریخی و اظهار تنفر و انزجار از حزب پلیسی و فاشیستی شاه (که زعما و مراجع تقلید شفاهاً و کتباً شرکت در آن را تحریم فرموده‌اند) و همچنین به منظور اعلان مخالفت با انتخابات قلابی و پوشالی هیئت حاکمه، مجلسی در مدرسه فیضیه سرپا کردند و به دنبال آن تظاهرات پرشوری انجام دادند. پلیس و مزدوران مسلح رژیم از غروب شب ۱۶ تا عصر روز ۱۷ خرداد، دو مدرسه فیضیه و دارالشفاء را در اشغال نظامی خود درآورده، آب و برق را قطع نموده و از رسیدن آذوقه به طلاب جلوگیری کردند. روز هفدهم هلی کوپتر نظامی و اعزامی شخص شاه، منطقه را زیر نظر گرفت و حتی عکسبرداری‌هایی از محوطه داخلی دو مدرسه نیز به عمل آورد و سپس صدها تن از افراد گارد که از تهران فرستاده شده بودند به اتفاق چند صد رأس ژاندارم و پلیس به مدرسه ریختند، طلاب بی‌پناه را به شدت مجروح و مصدوم نموده، ده‌ها نفرشان را از بالای بام به زیر انداختند، سر و دست گروهی از آنان را شکسته و حتی عده‌ای از آنها در این حادثه جان دادند. کتاب‌های مذهبی و درسی و اثاثیه‌های آنان را پاره پاره و لگدمال کردند. این جانیان آدمخوار حتی قرآن‌ها را زیر لگد پاره پاره کرده و در و پنجره‌ها را شکستند. به دنبال این حادثه درس‌ها و نمازهای جماعت در سرتاسر قم به عنوان اعتراض به این یورش وحشیانه، تعطیل شد و روحانیون خشم و نفرت خود را از این عمل ناجوانمردانه عمال شاه ابراز نمودند. و اینک متن رنجامه مرجع معظم تقلید حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی مدظله را که به منظور محکوم کردن رژیم شاه که عامل اصلی این فاجعه می‌باشد، به استحضار عموم مسلمین می‌رسانیم...





بسم الله التمام التمام

خبر دادند و جاری شاهد خاصه بزرگ و حادثه ای نوتین بود - سلاطین و حاکمین معظم حوزه علمیه بسم
در روز ۹۵ خرداد چنانچه تجلیل از عیال این روز تاریخی و اظهار تشکر و انباز از حزب ملی و قاضی حاکم
(که رعایا و مراجع تقلید شریف و کتب و مکتوبات آنرا تحریر فرموده اند) و همچنین بشعور اعلی حاکم داد
انتخابات قضایی و پوزا لی هیئت حاکمه و مجلس در خاربه انجمنه سرپا کردند و بدینا لای کتابها و پرسشوری
انجام دادند و پانز و مزدوران صلح رژیم از اروپا شرب ۶۶ تا عصر روز ۹۷ خرداد و دو خاربه فیضیه و دار
الشفاء را در احوال نظامی خود در آورده و آب و برق را قطع نموده و از زمین آتشفشان عظیم و بلور گری کردند
روز هفتم حاکمین نظامی و اعزامی غرضاء و منافع را زیر نظر گرفتند و در کسریه های عظیم و بلور گری کردند و در
خاربه نیز بصل آورده و سپس مدتی این افراد گرد که از تهران فرستاده شده بودند و با آنها و جنس و اسیران را
و پلیس بشعبه ریخته و عظیمی بناد را بجهت خروج و خدمت نموده و با نفرین را از باقی نام بزرگان
سر و دست گرونی از آنان را شکسته و حتی ده ای از آنها غیر این حادثه جان دادند - کتابهای علمی و درسی
و کتابهای عیال آنان را باره باره و لنگ مال کرده و این مانتیان آذوقه حقیقی بفرستادن را زیر لنگ
باره باره کرده و در و پنجره ها را شکستند - بدینا لای این حادثه درسی ها و تبارک و تعالی است در سرانجام قسم
بموتان اغراضی با این جور و دشمنانه و تمایل عد و روحانین و غم و تفریت خود را از این عمل ناجوانمردانه
مخالطه ابراز نمودند -

و اینکه حق رتبهنا بسم مرجع حکم دادند خبرت آیه الله البانی آای کتابها بگفتنی حد طلب
را که بشعور حکم کردن رژیم ناه که عامل اصلی این فاجعه می باشد و با اختیار عموم سلاطین میراثا نیم -

بسم الله الرحمن الرحیم

حزب مستطاب آیه الله آای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته

با اذن مطلق و استشار از سلامت وجود معظم و بطریق استخار دارد چند روز پیش عده ای از مأمورین
بشریه فیضیه و دارالشفاء حمله کردند و آمرب و پنجره ها را شکستند و جنس از عظیم حاکمین علوم دینی را
غریب و خروج و بازداشت نمودند - این فاجعه ناگوار موجب تألم و تأثر عمیق حاضر و جامعه روحانیت
گردید - اینها ی نا روائی که در طبقات نسبت برپا است فرج الله و تکیه میشود و حاجت بقیس روحانیت
همه از تأیید مرام کونین منزه و برآیات - مصطفی است سیر نحو - مکتبی میانه فاجعه برای رفع شیخ
از خاربه فیضیه و دارالشفاء و آزادی عظیم و زندانیان بی گناه - اهدام قرآنی و تاراج نگذاری مسعود
و تدبیر دینیه و برآه را از نوسن بقضایات اسلامی باز دارند و بیش از این موجبات نگرانی مسلمانان
را فراهم ننمایند - سلامت و دوام تأییدات وجود مبارک را از خداوند مطلقا مسألت داریم -

تاریخ قرع ۲ / ۹۵

خدمت رضائا العسوی الکتاب یگانی

(محل مهر مبارک)

در پیش‌نویس دیگری می‌خوانیم:

به نام خدای توانا

۱۵ خرداد ۴۲ در اوج شکوفایی و عظمت خویش در بستر زمان جاری شد و بحق نقطه تحولی در تاریخ مبارزات توده‌های رنج‌دیده ما بود. از همان زمان بود که فرزندان عزیز خلق یعنی پیشگامان نبرد مسلحانه ایران، به ضرورت جهاد خویش و نقش گلوله در پیشبرد تاریخ ملت‌ها پی بردند و به دنبال آن تکاملی در امر مبارزه ملی صورت گرفت. دستگاه فاشیستی و ضد مردمی شاه که پیوسته می‌کوشید حادثه خونین ۱۵ خرداد را در افکار مردم میهن ما وارونه جلوه دهد، از به یاد آوردن آن روز و آن حادثه که در حقیقت لکه ننگی بود بر دودمان کثیف پهلوی، پیوسته وحشت داشت. به همین سبب به دنبال شعارهای انقلابی دانشگاه‌های ایران در روز ۱۵ خرداد ۵۴ و همچنین پس از اطلاع از تظاهرات پرشور طلاب و محصلین حوزه علمیه قم که در شب ۱۶ و ۱۷ خرداد ماه صورت گرفت، شاه بی‌وطن این مرتجع مزدور، صبح روز ۱۷ خرداد، در حالی که از خشم و عصبانیت می‌لرزید، در یک سخنرانی گفت: باز همان عناصر بی‌وطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند «گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد». شاه می‌کوشد تا انقلابیون مسلح خلق را بی‌وطن سرخ و روحانیت مترقی و بیدار شیعه را مرتجع سیاه بنامد ولی غافلست که توده‌های ما فریب این دغلکاری‌ها و نقشه‌های اهریمنی را نخواهند خورد. شاه کوشید تا ۱۵ خرداد را از خاطره‌ها محو کند در حالی که پس از ۱۳ سال، هفدهم خرداد می‌هم بر آن اضافه گشت. کوشش کرد تا به وسیله روزنامه‌های وابسته به دربار، چهره این فریادگران پر تلاش را مسخ کند که مراجع تقلید و روحانیون بزرگ در این میان به پا خاستند و با مشمت محکم به دهن او کوبیدند که دامن پاک روحانیت از این تهمت‌های شه‌ساخته منزه است. و اینک توجه شما را به دو سند گویا و زنده در این زمینه از حضرت آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری دامت برکاته و حضرت آیت‌الله روحانی مدظله معطوف می‌داریم...



دیری نپایید که خبر فاجعه فیضیه در ۱۷ خرداد ۵۴ در استان‌ها و شهرهای گوناگون ایران، بازتاب یافت. ساواک مشهد طی گزارشی، از پخش نامه آقای گلپایگانی به آقای خوانساری در مسجد گوهرشاد، خبر داد؛^۱ ساواک همدان نیز رسیدن این نامه برای یکی از علمای آن شهر را گزارش کرد.^۲

در پی بازتاب فاجعه ۱۷ خرداد فیضیه در مشهد و آگاهی علما و روحانیان این شهر از جنایت‌های رژیم شاه در قم و زدن و کشتن و دستگیر کردن طلاب، حوزه علمی مشهد نیز در روز ۵۴/۳/۱۹ به عنوان اظهار همدردی با قم تعطیل شد. برخی از اساتید آن حوزه سر کلاس درس طی سخنرانی، آنچه را که در قم روی داده بود برای شاگردان درس خود بیان کردند. حوزه مشهد در ماتم فرو رفت. شماری از روحانیان و طلاب حوزه مشهد به تظاهرات دست زدند و در پشتیبانی از امام، حوزه قم و دستگیرشدگان شعار دادند و جنایت‌های شاه را محکوم کردند. ساواک در گزارشی زیر عنوان «اعتراض چهار نفر از مدرسین حوزه علمیه مشهد و تعطیل دروس حوزه، به علت دستگیری طلاب اخلاک‌پرستان قم» آورده است:

روز ۵۴/۳/۱۹ چهار نفر از مدرسین حوزه علمیه مشهد به شرح اسامی زیر به عنوان اعتراض به دستگیری اخیر طلاب اخلاک‌پرمدارس فیضیه و دارالشفاء شهرستان قم در جلسه درس خود حاضر نشده و دروس حوزه علمیه مذکور را تعطیل نموده‌اند:

۱- سیدعبدالکریم هاشمی نژاد ۲- میرزا جواد آقا تهرانی ۳- میرزا علی فلسفی ۴- حسینعلی مروارید
اقدامات انجام‌شده: ارزیابی خبر: صحت دارد

۱. مراتب به نخست‌وزیری اعلام شده است.

۲. ضمن دادن تذکرات لازم به مشارالیه‌هم، به آنان تفهیم شده در صورت ادامه تحریکات از تدریس آنان در حوزه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

تیمسار نصیری در زیر این گزارش فرمانی صادر کرده که از کینه شدید او نسبت به فریادگران فیضیه و ضربه سنگین حرکت آنان به نظام شاه و دستگاه امنیتی ساواک نشان دارد؛ او پی نوشت کرده است:

۱. سند ش ۱۸.

۲. سند ش ۱۹.



رونوشت تلگراف شماره $\frac{۱۱۴}{۵۴/۱/۲}$ مشهد صادره به ۳۱۲

نامه‌ای کس شد و ای‌ها مناسبت آیت الکرسی بگانی تحت عنوان خف‌سرت
آیت الحاج احمد خوانساری صتی. راینکه عدای از ما مورین بعد رسه
فهیضه در ارا الشفا حطه کردند و در رینجره‌ها را شکستند و جمعی از
طلاب و محصلین علوم دینی را مشروب و مجروح کردند در مسجد گوهر
شاد پخش شده عین نامه پستی تقدیم خواهد شد.

شیخان

اصل دربروند هلاسه ۱۷۱۱۲۷ است.

دربروند هلاسه ۲۶۵۳۸ با بگانی شود.

۹۲ ۵، ۲۱



روزنوشته شکرآف شماره $\frac{۶۸۵۸}{۵۴/۴/۴۹}$ سادات محمدان صاد رفیعہ ۳۱۲

روز ۲۶/۳/۵ فتویٰ نامہ ان با حضاہ گیا جگہ کی کہ بھٹوان سید احمد خواہی ساری نوشتہ شد فارقم
جہت شیعہ عالمی دافعہ نامی بہ محمدان ارسال کرد و رقم شماره بہ خطہ مابین بہ قدر رسد فیہ
ودار الشفا و سیرجہ سا بخش و باز داشتند مابین از مدخلین نمود عواصا شد کہ تہمتی ان ناروا کسی
کہ در مشروطیت نسبت بہ روحانیت شد و شکہ بہ معرکہ در مساحت مقدس روحانیت ارتاتید مسطور
گویشی خیز و ہوا است در باہان از خواہی ساری خواستہ تا برای آراء و مطالب و زندانیان جگہ
الحدام و تذکرات لازم بہ جراید بہ حد کہ عین فتویٰ نامہ میرد نظر با پیکار ارسال خواہد شد .
منشی

اصل در ہر روز و ہلا ۶۸۵۸ است

در روز و ہلا ۶۸۵۸ بہ کیسہ

۲۵ مارچ ۵۴

۳۱۲
۲۵ مارچ ۵۴

سند شماره ۱۹





این تذکر ساده کافی نیست. باید معلوم شود سوابق این چهار نفر چیست و به آنها گفته شود این افراد با پرچم قرمز و شعار کمونیستی تظاهراتی کرده‌اند و در منازل آنها مدارک کمونیستی وجود داشته یا باید اعمال آنها را تقبیح کنید و الا شماها هم جزو آنها منظور و رفتاری که با آنها شده و می‌شود با شماها هم خواهد شد.^۱

در پی این فرمان، دو تن از اساتید حوزه مشهد به نام‌های سید عبدالکریم هاشمی نژاد و شیخ عباس واعظ طبسی بازداشت شدند؛ ساواک دیگر اساتید آن حوزه را که به عنوان اظهار همدردی با قم درس‌های خود را تعطیل کرده بودند- مانند میرزا جواد آقاهرانی، شیخ حسینعلی مروارید و میرزا علی آقای فلسفی- به سبب جایگاه ویژه‌ای که در میان مردم مشهد داشتند، نتوانست دستگیر کند.

در پی دستگیری و بازداشت آقای هاشمی نژاد و آقای واعظ طبسی، ۱۲ تن از طلاب حوزه مشهد که در پشتیبانی از حماسه‌آفرینان فیضیه تظاهرات کرده بودند دستگیر شدند. نام‌های دستگیرشدگان چنین است:

- ۱- سید احمد توسلی فرزند حاج میرزا بابا ۲- نورالله خائفی فرزند حاج فرج ۳- علی جعفری معروف به اردمه‌ای فرزند محمد اسماعیل ۴- محمد حسن جعفری فرزند عباسعلی ۵- محمدرضا باقری فرزند حیدر ۶- علی نمایی ملا فرزند محمد حسین ۷- محمد حسین شجاعی فرزند میرزا محمد ۸- یحیی نصرآبادی فرزند عبدالصمد

۱. سند ش ۲۰.

سری

۲۲۰

—۵—

۱- اقتران چهارنفر از دین حوزہ طبعہ مشہد و تحصیل دروس حوزہ

بعلت و سببگیری طلاب اخلاک و کتبستان قسم

روز ۱۳/۱/۴۰ چهارنفر از دین حوزہ طبعہ مشہد بشن اساسی زیر عنوان اقتران
به سببگیری غیر طلاب اخلاک و کتبستان در فتنہ و دارالافتاء کتبستان قم در جلسه دروس غیبت
حاضر نشده و در دین حوزہ طبعہ مشہد تحصیل نموده اند .

۱- سید عبد الکریم	عاشق نژاد
۲- میرزا جواد آقا	تبرانی
۳- میرزا طوسی	قلی
۴- حمیدعلی	میرزا محمد

ارزاسی غیبت

غیبت محبت داره .

انجامات انجام شده :

۱- مراتب به نخست وزیر اعلام شده است .

۲- ضمن دادن تذکرات لازم به مشارالیه و با آنان تنهیم شده در صورت ادامه
تعمیرات از دست بردارند و در حوزہ جلوگیری بعمل خواهد آمد .

این تذکره کلامی است ؛ به سبب شد سراج این دارن نیست
و با آنها تنهیم شد و این از دین ایچیم فرزند شاکر کوچه نظام الدینی بوده اند
و در زمان این سراج کوهی دوزخ دینش با سبب ایمان آنها را تنهیم کرد
و این سراجیم خود آنها را منور در میان راه که با آنها تنهیم و منور
با سبب ایمان خود تنهیم شد

دوره سوم

سند شماره ۲۰



۹- احمدعلی باقری فرزند باباقلی ۱۰- اسحق زاهدیان فرزند ابوالقاسم ۱۱- سید حامد هاشمی فرزند میرحمزه ۱۲- احمد نجاری فرزند حسن

با اینکه دستگیرشدگان هرگونه شرکت در تظاهرات و انگیزتن دیگران به شور و شورش را رد کرده و آن را نادرست اعلام کردند باز جوی ساواک چنین نظر داده است:

... اظهارات ۱۲ نفر طلاب در مورد عدم شرکت در تظاهرات و دادن شعار مضره کذب بوده و شرکت نامبردگان در تظاهرات و دادن شعار به نفع خمینی محرز می‌باشد. سید حبیب‌الله هاشمی نژاد [سید عبدالکریم] از روحانیون ناراحت و مخالف رژیم بوده و تاکنون سه بار بازداشت و ۲ ماه محکومیت حاصل کرده و روز جمعه ۵۴/۳/۲۳ با وجودی که ممنوع‌المنبر بوده مجلسی در منزل خود ترتیب و با سخنرانی طلاب را تحریک نموده است. وی در همان مجلس اظهار نموده طلاب حق طلب را بازداشت می‌کنند و آنان را کمونیست می‌نامند. که منظورش اشاره به حوادث اخیر قم بوده است. لذا اتهام منتسبه به یادشده محرز و مسلم می‌باشد. شیخ عباس واعظ طبسی نیز از روحانیون مخالف رژیم بوده و از سال ۴۲ فعالیت داشته و چند بار بازداشت و سه ماه محکومیت داشته است. اتهام منتسبه به وی نیز مسلم و محرز است...^۱

مردم مسلمان و مبارز ایران نیز با آگاهی از فاجعه خونبار فیضیه، سخت به خشم آمدند و به رغم خفقان شدید و جو پلیسی، در حد توان خود واکنش نشان دادند. شماری از مردم نیکوکار و نیک‌سرشت به قم شتافتند و با برقراری ارتباط با نمایندگان امام در قم به خانواده بازداشت‌شدگان فیضیه کمک رسانیدند. برخی از اصناف با صدور اعلامیه‌هایی، با روحانیان مبارز قم اظهار همدردی کردند. شهربانی قم در گزارشی به ساواک آن شهرستان، از پخش «دو برگ اعلامیه اهل بازار» خبر داده است. در این گزارش آمده است:

... برابر گزارش یکان وابسته، شب گذشته دو برگ اعلامیه پلی کپی شده تحت عنوان (ابر از همدردی اهل بازار با روحانیون قم و شماره دوم نشریه آزادی جوانان مبارز قم و کاشان) به دست آمده که در آنها نوشته شده در حادثه اخیر مدرسه فیضیه بیش از ده نفر به شهادت رسیده و چهل نفر از طلاب و بیست نفر از کماندوها به سختی مجروح گردیده‌اند...^۲

۱. سند ش ۲۱.

۲. سند ش ۲۲.

وزارت کشور
شهر بانی کل کشور
(شهر بانی قسم)
(نقش)

محرمات

شماره: ۴۴۳-۱۰۸/۱
تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۵
پیوست: ۱
شهر بانی قسم:
به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت شهرستان قم
موضوع: اعلامیه

برابر گزارش مکان وابسته شب گذشته و پیگیری اعلامیه پان کین شده تحت عنوان (ابراهیم دردی اهل بازار)
باروهانین قم و شماره دوم نشریه آزادی جوانان مبارز قم و گامان (بدست آمده که در آنها نوشته شده
در حاد که اخیر در سه نوبت بهی از ده نفر به هرات رسیده و چهل نفر از طلاب بهیست نفر از کاند و ها
بهیستی معروف گردیده اند - اینک و نسخه فتوکی اعلامیه ها و زیر جهت آگاهی و اقدام مقتضی
به پیوست ایفاد میگردد و کتب

رئیس شهر بانی قم - سرهنگ شهرستانی

گیرنده:

ریاست اداره اطلاعات شهر بانی کشور و پیوسته گراف شماره ۵/۲۴۳-۵/۲/۲۵۰ با تعداد و نسخه
فتوکی اعلامیه ها و مورد بحث جهت استحضار.

رئیس ساواک قم نیز بی درنگ این خبر را به تهران گزارش کرده و کپی آن دو اعلامیه را به مرکز فرستاده است.^۱

برخی از گروه‌های سیاسی مانند «سازمان مجاهدین خلق» نیز طی اعلامیه‌ای به بررسی و تحلیل خیزش و خروش فیضیه پرداخته و آن را برآیند جنبش مسلحانه و انمود کرده که «خروش نوینی در میان روحانیون مبارز به وجود آورد»!!

... این مبارزات در ابتدا به صورت نهضت آیت‌الله خمینی با پشتیبانی خلق مسلمان ما متجلی شد و با یورش وحشیانه و بی سابقه رژیم خائن به رکودی نسبی دچار شد. مبارزین به زندان افتادند و شکنجه شدند. سعیدی‌ها و غفاری‌ها در زیر شکنجه جان سپردند و عده‌ای از آنها نیز به تبعیدگاه‌ها روانه شدند... بالاخره بعد از ظهر روز ۱۷ خرداد فرمان حمله از جانب شاه خائن صادر می‌شود. کماندوهای شهربانی و ساواک... به مدرسه حمله می‌کنند. زد و خوردی خونین درمی‌گیرد. کماندوهای رژیم که از انجام هیچ عمل خائنانه‌ای ابا ندارند و وحشیانه فجایع ننگین ۱۵ خرداد ۴۲ را تکرار می‌کنند. آنچه از این عملیات به جا می‌ماند جسدهای خونین کشتگان و بدن‌های غرق در خون مصدومین در کف حیات مدرسه است. اما آنچه در این عملیات چشمگیر بوده مقاومت دلیرانه برادران روحانی است که در زیر ضربات وحشیانه گارد شعارهای انقلابی می‌دادند و آیات جهاد زمزمه می‌کردند؛ به طوری که در یک مورد طبق گفته یک شاهد عینی چند مزدور گارد با تجهیزات خویش روحانی جوانی را زیر ضربات خویش گرفته و به شدت او را کتک می‌زدند. ضربات باتوم‌ها به قدری بود که شاهدین ماجرا امیدی به زنده ماندن این روحانی مبارز نداشتند و او دایماً در زیر ضربات، قطعه شعر زیر را زمزمه می‌کرد:

والله ان قطعتموا یمینی
انی احامی ابدان دینی...^۲

۱. سند ش ۲۳.

۲. سازمان یادشده در این اعلامیه خود، از موضع سیاست‌مداری ورزیده و پیش‌کسوتی آزموده به بررسی کاستی‌ها و نادرستی‌های خیزش فیضیه نشسته و به اصطلاح رهنمودهایی داده است! و نخستین و بزرگ‌ترین «نقصی» که خیزش فیضیه از دید سازمان داشته است «علنی بودن آن در شرایط خفقان پلیسی حاکم است و به همین خاطر است که ضرباتی را که از جانب رژیم مزدور متحمل می‌شوند، سخت و مهلک است»!!

این اندیشه تنها به سردمداران این سازمان محدود نبود، بیشتر گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در آن دوران بر این باور بودند که اعلامیه دادن و سخنرانی کردن و تظاهرات و... نوعی انتحار سیاسی است! و امام با اعلامیه‌هایی که صادر می‌کند و با فراخوانی مردم به تظاهرات و راهپیمایی‌ها، نیروهای مبارز را به چنگ ساواک می‌اندازد و در واقع به هدر می‌دهد؛ باید نیروها را سازماندهی کرد و آماده ساخت تا سیاست جهانی دگرگون شود! و با چراغ سبز قدرتمندان جهانی و در چارچوب ستایش آنان پیش رفت. لیکن امام با اعلامیه‌ها و روشنگری‌ها و مردم با تظاهرات و حماسه‌آفرینی‌های خود توانستند جو خفقان را بشکنند، نهضت را پیش ببرند و انقلاب بیافرینند.



سازمان خلیلی معترمانه

با. مدیریت کل اداره امور خلیلی
شماره ۲۱/۲۷۶
تاریخ ۵/۴/۲۵
از حیالان قلم

ویرانه ام - لایحه

برابر اعلام شهرهای شهرستان قم شعب ۵۴/۳/۲۴
در برگه اعلامیه ملی گیتی شده - شرکت خلیان (ایران همدار
اهل بازار بارو حاشین قم و شماره دوم نشریه آزادی -
جوانان مبارز قم و کاشان) در داخل میدان بار و نشان
شماره آری قم روی زمین افتاده بود به دست آمده گشته
مقدار آن بیرومین حادثه اخیر مد رسه فدا شده و جانبداری
از طلاب صیانت شده - اینکه در برگه فتوحی اعلامیه های
مربوط جهت استحضار به دست تقدیم می گردد تا
رئیس سازمان خلیلی

۵/۴/۲۵
۵/۴/۲۵
۵/۴/۲۵

۱۴۱۴
۵/۴/۲۵

۱۴۱۴

خلیلی معترمانه

۵۴-۲۵۷

جوسازی رسانه‌ای

واکنش گسترده عالمان اسلامی و پیشوایان روحانی و عموم مردم ایران در برابر فاجعه ۱۷ خرداد و پشتیبانی آنان از دلاورمردان فیضیه، رژیم شاه را بیش از پیش هراسان و آشفته کرد. شاه و دستیاران او دریافتند که دروغ‌پردازی‌های آنان در مورد قیام فیضیه و ادعای اینکه آن جریان یک حرکت کمونیستی بوده نتوانسته است مردم را فریب دهد و نسبت به آن رویداد ذهنیت منفی پدید آورد. رژیم شاه نمی‌توانست باور کند که در میان ملت ایران تا آن پایه فرومایه و بی‌اعتبار است که اگر بگوید ماست سفید است، مردم در درستی آن دچار تردید می‌شوند. شاه به جای اینکه از بی‌اعتمادی ملت نسبت به سخنان او و دستگاه تبلیغاتی ایران پند بگیرد و به دروغ‌پردازی‌ها و جوسازی‌ها پایان دهد، با پندار اینکه حتماً تبلیغات بر ضد جریان فیضیه کوتاه و نارسا بوده، دستور داد که روی سمپاشی‌ها و نارواگویی‌ها بر ضد حماسه فیضیه بیش از پیش سرمایه‌گذاری کنند و دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی، بر ضد آن حماسه خونین جار و جنجال بیشتری به راه اندازند. اینجا بود که روزنامه‌های وابسته به رژیم شاه با برنامه گسترده‌تری، به صحنه آمدند و به تبلیغات دروغین بر ضد حماسه آفرینان فیضیه دست زدند. در روزنامه‌های آن روز ایران این عناوین به چشم می‌خورد:

- عوامل ارتجاع سرخ و سیاه در قم پرچم سرخ برافراشتند و شعار کمونیستی دادند.
- افراد نقاب‌دار در قم بلوای خیابانی به راه انداختند.
- نقابداران با چوب و چماق در و پنجره مدارس را شکستند و به مأموران حمله کردند.
- کتب کمونیستی و مدارک و اسناد در دو مدرسه دینی به دست مأموران افتاد.
- بمب و مواد منفجره در مدارس دینی قم کشف شد.
- اخلاگران به مدارس دینی قم خسارت وارد کردند.
- تظاهرات نقاب‌داران با تأسف عمیق مراجع تقلید و روحانیون روبه‌رو شد.

- کلیه اخلاگران در حوادث قم شناخته شدند و بازداشت گردیدند و به زودی پرونده اتهامی آنان برای رسیدگی قانونی به مراجع قضایی ذی صلاح فرستاده خواهد شد...^۱

۱. کیهان، ۱۳۵۴/۳/۲۰.





در لباس روحانیت

اخلا لگران در قم دست به اغتشاش زدند

اخلا لگران ماسک بصورت زده ،
شعار کمونیستی میدادند و پرچم
سرخ برافراشته بودند و با چوب
و چپان به مأموران انتظامی حمله
پزدند

* تعدادی از محرکین و اخلا لگران شناخته و
بازداشت شدند .
* در بازرسی محل سکونت اخلا لگران بمب
تست ساز کشف شد . - صفحه هشتم دوم

شماره ۲۴

- اخلا لگران در قم دست به اغتشاش زدند.

- اخلا لگران ماسک به صورت زده، شعار کمونیستی می دادند و پرچم سرخ

برافراشته بودند و با چوب و چماق به مأموران انتظامی حمله بردند.

- عده ای از محرکین و اخلا لگران شناخته و بازداشت شدند.

- در بازرسی محل سکونت اخلا لگران بمب دست ساز کشف شد.

در لباس روحانیت اخلا لگران قم دست به اغتشاش زدند

مأموران نظامی انتظامی اخلا لگران دست به اغتشاش زدند. در لباس روحانیت و با چوب و چماق به مأموران انتظامی حمله بردند. عده ای از محرکین و اخلا لگران شناخته و بازداشت شدند. در بازرسی محل سکونت اخلا لگران بمب دست ساز کشف شد.

روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه جاری نیروهای امنیتی و انتظامی در قم دست به اغتشاش زدند. در لباس روحانیت و با چوب و چماق به مأموران انتظامی حمله بردند. عده ای از محرکین و اخلا لگران شناخته و بازداشت شدند. در بازرسی محل سکونت اخلا لگران بمب دست ساز کشف شد.

- اسرار بلوای قم فاش شد.

- عوامل ارتجاع سرخ و سیاه در قم با هم اتحاد بستند.

- اخلاگران می خواستند مانع مشارکت مردم در انتخابات شوند.

آشوبگران اعتراف کردند که معتقد به اصول انقلاب نیستند و به سه اصل رستاخیز ایمان ندارند.

- یک روحانی نما که پسرش از عوامل مارکسیست اسلامی است طلاب را تحریک به ایجاد بلوا کرد.

آشوبگران محصلین حوزه های علمیه قم را به مبارزه مسلحانه دعوت می کردند...^۱

بازتاب سازنده، بیدارکننده و شور و شعورآفرین حماسه فیضیه و ۱۵ خرداد در میان ملت تا آن پایه گسترده و دامنه دار بود که رژیم شاه دستپاچه و شتاب زده به واکنش نسنجیده و جوسازی، دروغ پردازی و عربده کشی دست زد و هر روز نامه ها را به نگارش مقاله ها و یادداشت های دیکته شده وادار می کرد، تا شاید بتواند از موج آفرینی خیزش و خروش فیضیه در میان ملت ایران پیشگیری کند.

روزنامه کیهان در تاریخ ۲۱ خرداد ۵۴ نوشته ای را به چاپ رسانده است که می توان در آن، پایه و درجه بیم و هراس رژیم شاه از نهضت اسلامی و خروش پیروان امام در ایران را به درستی دید. در این نوشته تلاش شده است که چند موضوع ناروا و دور از واقعیت به باور ملت ایران برسد:

۱. اینکه شعار مرگ بر شاه و دیگر شعارهای ضد نظام شاهی در فیضیه ریشه در اندیشه کمونیست ها دارد و این گونه شعارها نمی تواند از سوی روحانیان و توده های مسلمان مطرح شود. نویسندگان این مقاله بر آن بود با این شگرد، دین باوران اسلامی را نسبت به نهضت روحانیت هراسان سازد و برای آنان ذهنیت منفی پدید آورد.

۲. با مطرح کردن این دروغ که نهضت اسلامی ایران دنبال آن است که «زن زیر رو بند باشد» و خرافه پرستی را رواج دهد و... نیروهای روشنفکر و دانشگاهی را از حوزه و روحانیت دور کند و دیوار سیاه رضاخانی میان حوزه و دانشگاه را- که در پی نهضت امام فروپاشید- بار دیگر بنیاد نهد.

۳. به کشاورزان و زنان ایرانی نیز بیاوراند که اگر نهضت اسلامی ایران پیروز شود، آنان را از حقوق و آزادی باز می دارد و زمین هایی را که در پی به اصطلاح «اصلاحات ارضی شاه»!



به کشاورزان رسیده است به مالکان و زمین‌داران بازمی‌گرداند!
۴. اینکه اسلام راستین، همانا اسلام شاهنشاهی است!! و نهضت امام و اندیشه‌های او با اصول اسلامی همخوانی ندارد!

در این یادداشت، زیر عنوان «تکنی کالرها و چوب زیر بغل» آمده است:

...ردای قهوه‌ای، دستار سفید، شال کمر سبز، ریش حنایی و پرچم سرخ شاید اگر اشعه ایکس به کار می‌بردیم قلب سیاه و ذهن سیاه‌تر را نیز می‌دیدیم. سخن از یک شخصیت کاریکاتوری در یک کمدی تکنی کالر نیست. از کسانی سخن می‌گوییم که می‌کوشند پلی پوشالی میان کمونیسم و خرافه بزنند.

گروهی از این افراد در این هفته در قم آفتابی شدند، سر و صدایی به راه انداختند، در و پنجره‌ای را شکستند و سپس از صحنه بیرون رانده شدند. منطق آنها چوب و چماقی بود که همراه داشتند. اما باید دید آنها چه می‌خواهند و چه می‌گویند؟ نمایشگران قم شعارهای کمونیستی می‌دادند. آنها یا به شعارهای خود اعتقاد دارند یا ندارند، اگر اعتقاد ندارند که باید گفت آلت دست دشمنان کشور شده‌اند یا به خاطر خالی کردن عقده‌های خود چپ آوازه افکندن را انتخاب کرده‌اند، اگر از سوی دیگر آنها به شعارهای خود اعتقاد دارند باید گفت که مردم ایران اجازه نخواهند داد یک ایدئولوژی بیگانه به آنها تحمیل شود. ما ممکن است بسیار مسائل اجتماعی داشته باشیم، اما مجبور نیستیم برای حل این مسائل به کتاب دعا‌های قرن نوزدهم اروپا متوسل شویم. از این گذشته دیده‌ایم که تحمیل کمونیسم بر کشورهای گوناگون نتایج چندان درخشانی نداشته است. پس این کالا در ایران خریداری ندارد. نزدیک به ۵۰ سال فشار خارجی و داخلی در این زمینه نتوانسته است این واقعیت را عوض کند و نخواهد توانست. پرسوناژهای تکنی کالرها، در همان حال از خرافه سخن می‌گویند، به زعم آنان زن باید زیر روبنده باشد و گرنه باید به رویش اسید پاشید. اصلاحات ارضی - به گفته بعضی سردمداران آنها - مغایر شریعت است، منشور انقلاب ایران، به طور کلی، از نظر این افراد پذیرفتنی نیست. خوب، کدام انسان عاقلی ممکن است این مزخرفات را بپذیرد و اصرار ورزد که ایران به عهد بوق باز گردد. می‌توان طرح‌ها و پیشنهادهایی برای نتیجه‌گیری بهتر از اصلاحات ارضی



داد اما تخطئه اصل دادن زمین به زارعی که در آن کار می کند، نشانه کوری سیاسی و ضدیت با مردم است. می توان گفت که فلان اصل انقلاب خوب اجرا نمی شود اما تخطئه اصولی که هدفشان مشارکت بیشتر مردم در درآمد کشور و تحکیم حاکمیت ملی بر منابع طبیعی است به قلمرو سفسطه تعلق دارد.

اسلام دین ترقی و تساوی است. دینی است که یکی از نخستین اقداماتش جلوگیری از زنده به گور کردن نوزادان دختر بود. دینی است که کسب علم و به کار گرفتن شیوه های نو را وظیفه پیروان خود می داند... اما اسلام در به کار گرفتن ابزار پیشرفت و امروزی شدن نیازمند چوب زیر بغل نیست. در حالی که تکنی کالرها مارکسیسم را به عنوان یک چوب زیر بغل برای اسلام توصیه می کنند. بدین سان آن ها در یک زمان هم اسلام را ناتوان اعلام می کنند و هم مارکسیسم را. فرهنگ ما یک فرهنگ اسلامی است و اگر هویت اسلامی خود را از دست بدهیم تقریباً هیچ چیز نخواهیم بود...^۱

رژیم شاه بهتر از هر کسی می دانست که مبارزه روحانیان و خیزش قم هیچ گونه ارتباطی با کمونیسم ندارد و فرزندان فیضیه با الهام از مکتب قرآن به پا خاسته و خواهان سرنگونی نظام شاه هستند؛ و از آنجا که به درستی دریافته بود اندیشه براندازی

۱. کیهان، ۱۳۵۴/۳/۲۱.



و ضدشاهی که ریشه در مذهب دارد می‌تواند خطر جدی و ریشه‌ای برای تاج و تخت شاه باشد، آن گونه سرآسیمه، آشفته و شتاب‌زده به سمپاشی و جوسازی دست زده بود و تبلیغات ناهنجار و زنجیره‌ای بر ضد حماسه فیضیه و حماسه آفرینان خرداد ۵۴ به راه انداخته بود.

پیرایه انتساب قیام طلاب مدرسه فیضیه قم به کمونیسم و غیره، احمقانه‌ترین اقدام مطبوعات رژیم پهلوی بود. امام در پشتیبانی از فریادگران فیضیه، اعلامیه‌ای خطاب به ملت ایران صادر کرد. متن آن اعلامیه در پی می‌آید:

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ شهر رجب ۱۳۹۵

خدمت عموم ملت شجاع و مظلوم ایران - ایدهم الله تعالی
 اخبار واصله از ایران، دنبال شکست مفتضحانه شاه در حزب‌بازی جدید، با آنکه موجب کمال تأسف و تأثر است مایه امید و طلیعه درخشان آزادی است. تأسف از آنکه در عصری که ملت‌ها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج می‌شوند و استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند، ملت بزرگ مسلم ایران با گماشته شدن یکی از مرتجع‌ترین افراد و یکی از عمال بی‌چون و چرای استعمار و سایه افکندن وحشتناک‌ترین استبداد و حشیانه بر سرتاسر کشور، از تمام شئون آزادی محروم و با جمیع مظاهر استبداد و ارتجاع دست به گریبان هستند. سازمان امنیت ایران به دستور شاه به صورت اداره تفتیش عقاید قرون وسطایی درآمده و با مخالفان حزب تحمیلی شاه، که اکثریت قاطع ملت متدین است، با انواع تهدیدها و اهانت‌ها و ضرب‌ها و شکنجه‌های وحشیانه رفتار می‌کنند. ملت ایران، از علمای دین تا دانشگاهی و از بازاری تا زارع و از کارگر تا اداری و کارمند جزء، باید معتقد به عقیده شاه باشند؛ گرچه بر خلاف اسلام و مصالح مسلمین و ملت باشد، گرچه استقلال ملت و آزادی همه را بر باد دهد! و در صورت تخلف، سرنوشت آنها ضرب‌ها و حبس‌ها و شکنجه‌ها و محرومیت‌ها از حقوق انسانی است و متخلفین «مرتجع سیاه» و «بی‌وطن سرخ» اند و باید سرکوب شوند. تأسف از سرکوب کردن ملت مظلوم، و هجوم به دانشگاه‌های سراسر کشور. تأسف از واقعه جانسوز هفده خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دارالشفاء - که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد - و یورش بی‌رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر

خروش فیضیه به رغم جو سازی‌ها و سمپاشی‌های گسترده رژیم شاه توانست در آسمان تیره و تاریک سرزمین ایران رعد و برق پدید آورد و نور امید در دل‌ها بتاباند، نهضت امام را اوج بخشید، موج‌ها بیافریند، راه نوینی برای شورش و خیزش باز کند، صدای فرزندان فیضیه را در سراسر ایران طنین انداز سازد و مایه رویش شود و دستاوردهای پرباری به همراه آورد

مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام سر و کاری ندارند، و شکستن سر و دست‌ها و در و پنجره‌ها و کوبیدن تا سر حد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی‌پناه را از پشت بام‌ها (به جرم اظهار عقیده بر خلاف حزب شاهی و به جرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد) که به حسب نقل بعض مطبوعات خارجی، عدد مقتولین به ۴۵ نفر و عدد مجروحین بسیار است که در بیمارستان‌ها پذیرفته نشده‌اند؛ و بیش از سیصد نفر در زندان‌ها

به سر می‌برند که سر نوشت آنها معلوم نیست. این است وضع کشور مترقی! این است معیار دموکراسی شاه! این است حال مملکت آزاد مردان و آزاد زنان! تأسف از وضع مطبوعات ایران که مستقیماً زیر نظر سازمان اداره می‌شوند، و هر چه دیکته کنند می‌نویسند و هر تهمتی خواستند به هر مقامی می‌زنند. ولی با همه مصیبت‌ها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاه‌های سرتاسر ایران - به حسب اعتراف شاه - و مخالفت علمای اعلام و محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدری‌ها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است. شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنانه، نمونه بیداری و پیروزی است.

اینجانب به ملت بزرگ ایران پس از تسلیت در این مصیبت‌های دلخراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت - علیهم السلام - و تسلیت در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و هفده خرداد ۵۴، تبریک می‌گویم بر این روشنفکری و آزادمنشی! تبریک می‌گویم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و عمال خبیث آن!

سلام من بر مقتولین و مصدومین ۱۵ خرداد! سلام من بر مصدومین و مظلومین هفده خرداد! سلام من بر طبقات اهل علم و خطبای محترم! سلام من بر جوانان غیر تمند دانشگاه‌های ایران! سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیر قانونی مشت





محکم بر دهان یاوه‌سرایان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند! سلام من بر زندانیانی که در راه هدف مقدس اسلام در زیر شکنجه به سر می‌برند! سلام من بر جوانان و دانشجویان غیرتمند ایرانی خارج کشور که با کوشش ارزنده خود به اسلام و برادران مسلم خود خدمت می‌کنند و فجایع استعمار و عمال آن را بر ملا می‌کنند.

من در این لحظه‌های آخر عمر، نگرانی‌های فراوان دارم. خوف از آن دارم که این شخص، که با هر حيله‌ای متشبث شد مواجه با مخالفت ملت و طبقه جوان شد، بیش از این مبتلای به تشنج اعصاب شود و ملت مظلوم را بیش از این به خاک و خون کشد و با تهمت «مرتجع سیاه» و «بی‌وطن سرخ»، علمای اسلام و دانشمندان و روشنفکران را قتل عام کند. به خداوند متعال از شر عناصر خبیثه پناه می‌برم و قطع‌ایادی اجانب را مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم ورحمت‌الله. روح‌الله الموسوی الخمینی^۱

دستاوردهای قیام فیضیه

خروش فیضیه به‌رغم جوسازی‌ها و سمپاشی‌های گسترده رژیم شاه توانست در آسمان تیره و تار سرزمین ایران رعد و برق پدید آورد و نور امید در دل‌ها بتاباند، نهضت امام را اوج بخشد، موج‌ها بیافریند، راه نوینی برای شورش و خیزش باز کند، صدای فرزندان فیضیه را در سراسر ایران طنین‌انداز سازد و مایه رویش شود و دستاوردهای پرباری به همراه آورد؛ هر چند در این راه برخی از طلاب بی‌گناه - بنابر گزارش خبرگزاری‌های برون‌مرزی - به شهادت رسیدند، شماری به اداره نظام وظیفه گسیل شدند و با رفتار خشن و اهانت‌بار فرماندهان نظامی روبه‌رو بودند و رنج‌ها بردند. شماری نیز در دادگاه‌های فرمایشی نظامی با زندان‌های درازمدت کیفر دیدند. طلاب بازداشتی که به زندان محکوم شدند، بیش از یکصد نفر بودند که از ۶ ماه تا ۱۵ سال کیفر گرفتند. با وجود این، خروش فیضیه در ۱۵ خرداد ۵۴ دستاوردی ارزنده، برجسته و سرنوشت‌ساز به همراه داشت.

وزارت امور خارجه شاه در نامه‌ای به ساواک یک مورد از اخبار یکی از روزنامه‌های خارجی پیرامون رویداد قم را چنین گزارش کرده است:
... روزنامه TAGES-ANZEIGER در شماره ۱۱ ژوئن ۱۹۷۵ خود در خبری

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۰.



وزارت امور خارجه

نقل محضه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره اطلاعیه مطبوعات
۳۷۹۴ / ۱۲ / ۶۵
تاریخ
۱۳۶۵ / ۱۲ / ۱

روزنامه TAGES - ANZEIGER در شماره ۱۱ ژوئن ۱۹۷۵ خود در خبری از تهران مینویسد که طبق گزارشات روزنامه‌های تهران دانشجویان رشته علوم دینی در شهر قم در هفته گذشته تظاهرات شدیدی بر علیه دولت بعمل آورده اند و تظاهرات کنندگان از طرف قوای انتظامی دستگیر و روانه زندان گردیده اند که بزودی در دادگاه معاکه میشوند. برنده روزنامه برای ملاحظه به پیوست ارسال میگردد.

از طرف وزارت امور خارجه
محرر

۲۵

نقل محضه

سند شماره ۲۵ - ۱





Tages-Anzeiger
Zürich (CH)
Auff. L. 233 199

1. Juni 1975

Anti-Sehah-Demonstrationen in einer heiligen Stadt

Teheran, 30. Juni (AP) Nach Berichten mehrerer iranischer Zeitungen haben Theologiestudenten in der Stadt Kum, südlich von Teheran - wo sich ein schiitisches Heiligtum befindet - in der vergangenen Woche stürmisch gegen die iranische Regierung demonstriert und sind von Einheiten der Sicherheitspolizei ins Gefängnis gebracht worden, wo sie einem baldigen Gerichtsverfahren entzogen werden sollen. Die Demonstrationen, bei denen es angeblich keine Verletzten gab, erreichten sich am Donnerstag- und Samstag voriger Woche.

از تهران می‌نویسد که طبق گزارشات روزنامه‌های تهران دانشجویان رشته علوم دینی در شهر قم در هفته گذشته تظاهرات شدیدی بر علیه دولت به عمل آورده‌اند و تظاهرکنندگان از طرف قوای انتظامی دستگیر و روانه زندان گردیده‌اند که به‌زودی در دادگاه محاکمه می‌شوند. بریده روزنامه برای ملاحظه به پیوست ارسال می‌گردد...

حماسه خونین فیضیه هیمنه شاه را در هم شکست و به ملت ایران نمایاند که می‌توان آشکارا رویاروی شاه ایستاد و با شعار مرگ بر شاه سرنگونی رژیم او را فریاد زد. مردم از خیزش فیضیه درس گرفتند، جرأت یافتند، پیش آمدند. دیری نپایید که شعار فرزندان خمینی در فیضیه شعاری همگانی و فراگیر شد و در سراسر ایران طنین افکند و انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد. از این رو، باید گفت حماسه‌آفرینان فیضیه، طلایه‌داران و پیشقراولان انقلاب سال ۵۷ بودند.

در پایان به بخشی از اعلامیه حوزه علمیه قم که در سالروز فاجعه ۱۷ خرداد، در سال ۱۳۵۵ انتشار یافته است، اشاره می‌کنیم:

... یک سال است که از حوادث روزهای پانزدهم و شانزدهم و هفدهم خرداد ۵۴ (دوازدهمین سالگرد کشتار بی‌رحمانه ۱۵ خرداد ۴۲ توسط رژیم جلاد شاه) می‌گذرد. حوادثی که -برخلاف همه تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی حوزه روحانیت که آن را یک شورش ماجراجویانه توصیف می‌کردند- کاملاً از مواضع ضد طاغوتی، ضد سلطنتی، ضد اشرافیت اسلام ریشه می‌گرفت...^۱

این اعلامیه از یورش وحشیانه پلیس و ساواک به مدرسه‌های حجتیه و آیت‌الله بروجردی و حقانی در تاریخ ۵ خرداد ماه ۵۵ خبر داده است که پس از جست‌وجو و بازرسی حجره‌ها، ۳۵ نفر از طلاب مدرسه بروجردی و ۱۱ نفر از طلاب مدرسه حقانی را دستگیر می‌کنند. این خودکامگی و قانون‌شکنی نشان می‌دهد که رژیم شاه از حماسه ۱۵ خرداد ۵۴ تا چه پایه‌ای آسیب دیده، ضربه خورده و هراسان بوده است و برای پیشگیری از تکرار آن در خرداد ۵۵ به بگیر و ببند و ایجاد جو پلیسی در حوزه قم دست زده است، تا از تکرار حماسه ۱۷ خرداد ۵۴ پیشگیری کند اما متعاقب این قیام، طوفان توفنده انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ از راه رسید و بنیادهای نظام ظلم و فساد شاهنشاهی را از هم گسیخت.

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.